



مواد برنامه های آموزشی تسوید قوانین
سلسله اول — جلسه (۱) — (۹)

حوت ۱۳۸۵

شورای ملی افغانستان

تهیه و تقدیم:

پروژه معاونت برای پارلمان افغانستان /
اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID)

تقدیم کننده:

مارک هامیلتون، حارنوال ارشد و متخصص تسوید قوانین
پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان / USAID

**LEGISLATIVE DRAFTING TRAINING MATERIALS
FIRST SERIES — SESSIONS 1–9**

March 2007

NATIONAL ASSEMBLY OF AFGHANISTAN

organized by:

**AFGHANISTAN PARLIAMENTARY ASSISTANCE PROJECT /
UNITED STATES AGENCY FOR INTERNATIONAL DEVELOPMENT (USAID)**

presented by:

Mark Hamilton, Senior Attorney / Legislative Drafting Specialist
AFGHANISTAN RULE OF LAW PROJECT / USAID



USAID

از طرف مردم امریکا
د امریکا دولس لخوا

Topics of Sessions 1 through 9:	موضوعات جلسه (۱) الی (۹):
Session 1. Overview of topics to be discussed in the training.	جلسه ۱. نظر کلی بر موضوعاتی که در خلال این برنامه آموزشی مورد بحث قرار میگیرد.
Session 2. Understanding the problem to be solved by the legislation.	جلسه ۲. فهم و درک مشکلاتیکه قانون به حل آن میپردازد.
Session 3. Importance of communication and collaboration in the legislative process.	جلسه ۳. اهمیت افهام و تفهیم و همکاری در پروسه قانونگذاری.
Session 4. Understanding the persons (stakeholders) and agencies (implementers) involved in the legislation.	جلسه ۴. تشخیص و شناختن اشخاص (ذیربط / ذینفع) و ارگانهای (ارگانهای تطبیق کننده) دخیل در قانون مورد نظر.
Session 5. Researching existing law, in order to put draft legislation into context.	جلسه ۵. تحقیق و بررسی قانون موجوده، بخاطر انطباق مسوده یا طرح قانون با سیاق آن.
Session 6. Amendments and repeals: What to do when draft legislation conflicts with existing law.	جلسه ۶. تعدیلات و الغاءات: هنگام تناقض مسوده جدید با قانون نافذ فعلی چه باید کرد.
Session 7. Statutory interpretation in Afghanistan and the United States.	جلسه ۷. تفسیر قوانین در افغانستان و ایالات متحده امریکا.
Session 8. Use of requirements, authorizations, and prohibitions: The 3 main linguistic tools of legislation.	جلسه ۸. کاربرد شرایط یا مقتضیات، اختیارات و ممنوعیت ها: سه وسیله عمده زبانی در قانونگذاری.
Session 9. (a) The Separation of powers under the U.S. Constitution. (b) Rulemaking in the United States.	جلسه ۹. (الف) تفکیک قوا بر مبنای قانون اساسی ایالات متحده امریکا. (ب) قانونگذاری در ایالات متحده امریکا.

جلسه (۱)

نظر کلی بر موضوعاتی که در این برنامه آموزشی مورد بحث قرار میگیرد

SESSION 1

**OVERVIEW OF TOPICS
TO BE DISCUSSED IN THE TRAINING**

Summary of Seminar Topics:

Session 1. Overview of legislative drafting topics to be discussed in the course of the training.

Session 2. Understanding the problem to be solved by the legislation.

- (1) Understanding the “actual” intent of the legislation, not just the “superficial” intent that may appear in the words of the draft.
- (2) Asking the right kinds of questions of the proponent of the legislation in order to understand its intent.

Session 3. Importance of communication and collaboration in the legislative process.

Session 4. Understanding the persons (stakeholders) and agencies (implementers) involved in the legislation.

- (1) What persons are intended to be covered by the legislation?
- (2) What persons are intended to be excluded by the legislation?
- (3) Who is responsible for administering the provisions of the legislation?
- (4) Is a new official or agency needed to administer the legislation?
- (5) Does the administrator need additional powers or resources (including funding and personnel)?

Session 5. Researching existing law, in order to put draft legislation into context.

- (1) Sources of law in Afghanistan: *Sharia*, the Constitution, international treaties, laws, regulations, etc.
- (2) Identifying conflicts between the draft legislation and existing law.
- (3) Using computers and the Internet to research the law.
- (4) Other advanced research techniques.

Session 6. Amendments and repeals: What to do when draft legislation conflicts with existing law.

- (1) Amendment of existing law to achieve purposes of the legislation.
- (2) Explicit repeal of provisions of existing law that are inconsistent with the legislation.
- (3) Implicit repeal of inconsistent provisions of existing law. (This is not recommended, but should be discussed, including the pros and cons of such “blanket” repeals. This also involves a discussion of statutory

خلاصه موضوعات سمینار:

جلسه ۱. نظر کلی بر موضوعات متعلق به تسوید قوانین که در خلال این برنامه آموزشی مورد بحث قرار میگیرد.

جلسه ۲. فهم و درک مشکلاتیکه قانون به حل آن میپردازد.

(۱) درک هدف و مقصد “واقعی” قانونگذاری، نه فقط هدف ظاهری ایکه در قالب الفاظ مسوده ظاهر میشود.

(۲) طرح سوالات درست و دقیق از مقام / مرجع پیشنهاد کننده طرح مسوده بمنظور درک درست هدف و مقصد از وضع قانون.

جلسه ۳. اهمیت افهام و تفهیم و همکاری در پروسه قانونگذاری.

جلسه ۴. تشخیص و شناختن افراد (ذیربط / ذینفع) و ارگانها (ارگانهای تطبیق کننده) دخیل در قانون مورد نظر.

(۱) مخاطبین این قانون کدام اشخاص میباشند؟

(۲) کدام اشخاص شامل مخاطبین این قانون نمیشوند؟

(۳) مسئول تطبیق احکام این قانون کیست؟

(۴) آیا به یک مقام یا ارگان جدید نیاز است تا وظیفه تطبیق این قانون را بعهده گیرد؟

(۵) آیا مرجع تطبیق کننده قانون به قدرت یا امکانات بیشتر نیاز دارد (بشمول کمکهای مالی و کارمندان)؟

جلسه ۵. تحقیق و بررسی قانون موجوده، بخاطر انطباق این قانون با سیاق قانون موجوده.

(۱) منابع قانون در افغانستان: شریعت، قانون اساسی، معاهدات، قوانین و مقررات بین المللی وغیره.

(۲) تشخیص موارد تناقض مسوده جدید با قانون نافذ فعلی.

(۳) استفاده از کمپیوتر و اینترنت هنگام جستجوی قوانین

(۴) سایر روشهای پیشرفته تحقیق و بررسی.

جلسه ۶. تعدیلات و الغاءات: هنگام تناقض مسوده جدید با قانون نافذ فعلی چه باید کرد.

(۱) تعدیل در قانون نافذ فعلی جهت تحقق هدف قانون پیشنهادی.

(۲) بطور آشکار و صریح الغای آنعه از احکام قانون نافذ که در تناقض با قانون پیشنهادی قرار دارد.

(۳) لغو تلویحی احکام متناقض قانون فعلی. (به همچو عملی توصیه نمیشود، اما باید مورد بحث قرار گیرد، بشمول فواید و نواقص همچو الغاءات تلویحی. این امر شامل بحث در مورد تفسیر

Summary of Seminar Topics:

interpretation.)

Session 7. Statutory interpretation in Afghanistan.

- (1) How is legislation (in general, not a specific draft) interpreted in Afghanistan?
- (2) Who does the interpretation? (First, the implementer of the law. Then, if there is a challenge to a provision, the courts.)
- (3) What improvements could be made to aid in statutory interpretation in Afghanistan? (Perhaps a "law on the interpretation of laws", such as is often enacted in other nations.)

Session 8. Use of requirements, authorizations, and prohibitions: The 3 main linguistic tools of legislation.

- (1) Requiring certain behavior (which may include providing incentives or disincentives for the behavior or imposing sanctions for violations or omissions) ("shall").
- (2) Permitting certain behavior (which may include providing incentives or disincentives for the behavior) ("may").
- (3) Prohibiting certain behavior and imposing sanctions for violations ("may not" / "shall not").

Session 9.

(a) The Separation of powers under the U.S. Constitution.

- (1) The United States Constitution separates the powers of the state into 3 branches of Government.
- (2) Powers of the Congress
- (3) Powers of the President.
- (4) Powers of the Supreme Court.

(b) Rulemaking in the U.S.

- (1) Excerpt on American Rulemaking Process (from Wikipedia.org).
 - (A) Purposes.
 - (B) The rulemaking process.
- (2) Rulemaking procedure in the United States Federal Government.

خلاصه موضوعات سمینار:

قوانین نیز میشود.)

جلسه ۷. تفسیر قوانین در افغانستان.

- (۱) قوانین (بطور عموم، نه کدام مسوده خاص) در افغانستان چگونه تفسیر میشوند؟
- (۲) کی تفسیر میکند؟ (اول، تطبیق کننده قانون. سپس، اگر قانون به چالش گرفته شده باشد، محاکم.)
- (۳) جهت کمک به تفسیر قوانین در افغانستان، کدام نوع بهبود و اصلاحات را میتوان بکار برد؟ (ممکن است قانونی تحت عنوان "قانون تفسیر قوانین" وضع گردد؛ که این کار در کشورهای دیگر نیز صورت گرفته است.)

جلسه ۸. کاربرد شرایط یا مقتضیات، اختیارات و ممنوعیت ها: سه اصل عمده زبانی قانونگذاری.

- (۱) مطالبه سلوک مشخص (که میتواند شامل فراهم ساختن مشوق ها یا امور بازدارنده و منع کننده برای رفتار یا وضع مجازات بخاطر تخلف یا ترک فعل. ("نباید...."))
- (۲) مجاز دانستن سلوک مشخص (که میتواند شامل فراهم ساختن مشوق ها یا مخوفات یعنی امور بازدارنده و منع کننده برای سلوک باشد). ("میتوان....")
- (۳) منع سلوک مشخص و وضع مجازات در صورت تخلفات. ("نمیتوان / نباید....")

جلسه ۹.

(الف) تفکیک قوا مطابق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.

- (۱) قانون اساسی امریکا قوا دولت را به سه بخش در حکومت تقسیم مینماید.
- (۲) صلاحیتهای کنگره.
- (۳) صلاحیت های رئیس جمهور.
- (۴) صلاحیت های ستره محکمه.

(ب) قانونگذاری در ایالات متحده آمریکا.

- (۱) اقتباس از پروسه قانونگذاری ایالات متحده امریکا (از صفحه اینترنتی (Wikipedia.org)).
 - (A) اهداف.
 - (B) پروسه قانونگذاری.
- (۲) پروسه قانون گذاری در حکومت فدرالی امریکا.

Detailed Description of Seminars:

شرح مفصل سمینار ها:

1. **Overview of legislative drafting topics to be discussed in the course of the training.**
 - (a) Importance of precisely identifying the social problem or issue to be addressed by legislation.
 - (1) The essential job of a professional legislative drafter is to make sure that the legislation will solve the problem being addressed by the sponsor (proponent) of the legislation.
 - (2) It is very important to ask the right kinds of questions of the proponent of the legislation in order to understand the "actual" intent of the legislation, not just the "superficial" intent that may appear in the words of the draft.
 - (b) Identifying social problems.
 - (1) What is the problem the legislation seeks to solve?
 - (2) What is the best way to state the problem? (For example, "Rural farmers are unable to get their crops to market in a cost-effective way.")
 - (3) What are ways not to state the problem? (For example, "There is no law on [topic].")
2. **Legislative problem-solving techniques: Understanding the problem to be solved by the legislation.**
 - (a) Importance of precisely identifying the social problem or issue to be addressed by legislation.
 - (1) متیقن شدن از اینکه وضع قانون جدید میتواند مشکلی را که مقام / مرجع پیشنهاد کننده در پی حل آن است، حل نماید از جمله وظایف اساسی قانونگذار مسلکی میباشد.
 - (2) طرح سوالات درست از مقام مسئول (مرجعیکه میخواهد قانون وضع کند) بمنظور درک هدف و مقصد "واقعی" وضع قانون، نه فقط هدف "ظاهری" ایکه در قالب الفاظ مسوده ظاهر میشود، خیلی مهم تلقی میگردد.
 - (ب) شناسایی مشکلات اجتماعی.
 - (1) مشکلی که میخواهیم از طریق وضع قانون آنرا حل کنیم، کدام است؟
 - (2) بهترین راه برای حل مشکل کدام است؟ (بعنوان مثال، "دهاقین روستایی قادر نیستند حاصلات خود را با هزینه کم به بازار برسانند.")
 - (3) شیوه هاییکه نباید در رسیدگی به مشکل از آن استفاده شود، کدامها اند؟ (بعنوان مثال، "در رابطه به هیچ قانونی وضع نگردیده است.")
3. **Importance of communication and collaboration in the legislative process.**
 - (a) Is there a "client"? If so, who (or what governmental agency) is the "client"?
 - (b) Is there an "attorney-client" relationship?
 - (c) Is there an obligation to communicate with the client / sponsor?

۱. نظر اجمالی بر موضوعات متعلق به تسوید قوانین که در خلال این برنامه آموزشی مورد بحث قرار میگیرند.

۲. شیوه های حل مشکلات از طریق وضع قوانین: فهم و درک مشکلی که باید از طریق وضع قانون حل گردد.

(ا) اهمیت شناخت دقیق مشکل اجتماعی یا قضیه ایکه در قانون بدان رسیدگی میشود.

(۱) متیقن شدن از اینکه وضع قانون جدید میتواند مشکلی را که مقام / مرجع پیشنهاد کننده در پی حل آن است، حل نماید از جمله وظایف اساسی قانونگذار مسلکی میباشد.

(۲) طرح سوالات درست از مقام مسئول (مرجعیکه میخواهد قانون وضع کند) بمنظور درک هدف و مقصد "واقعی" وضع قانون، نه فقط هدف "ظاهری" ایکه در قالب الفاظ مسوده ظاهر میشود، خیلی مهم تلقی میگردد.

(ب) شناسایی مشکلات اجتماعی.

(۱) مشکلی که میخواهیم از طریق وضع قانون آنرا حل کنیم، کدام است؟

(۲) بهترین راه برای حل مشکل کدام است؟ (بعنوان مثال، "دهاقین روستایی قادر نیستند حاصلات خود را با هزینه کم به بازار برسانند.")

(۳) شیوه هاییکه نباید در رسیدگی به مشکل از آن استفاده شود، کدامها اند؟ (بعنوان مثال، "در رابطه به هیچ قانونی وضع نگردیده است.")

۳. اهمیت افهام و تفهیم و همکاری در پروسه قانونگذاری

(ا) آیا "موکل" وجود دارد؟ اگر وجود دارد، کی (یا کدام ارگان دولتی) "موکل" است؟

(ب) آیا رابطه "وکیل- موکل" وجود دارد؟

(ت) آیا لازمست که با موکل / مرجع پیشنهاد کننده قانون تماس و گفتگو صورت گیرد؟

- (d) Is there an advantage to communicating with the client / sponsor?
- (e) How does ongoing communication with the client / sponsor of the legislation help the drafter? How does it help the client / sponsor and others?
- (f) Without ongoing and in-depth communication with the client / sponsor, how can the real intent of the legislation be understood and properly drafted?
- (ث) آیا در برقراری ارتباط با موکل / مرجع پیشنهاد کننده فایده ای نهفته است؟
- (ج) چطور ارتباط دوامدار با موکل / مرجع پیشنهاد کننده، میتواند به قانونگذار کمک کند؟ و چطور این عملیه میتواند به موکل / مرجع پیشنهاد کننده و سایر افراد کمک کند؟
- (ح) بدون ارتباط دوامدار و عمیق با موکل / مرجع پیشنهاد کننده چطور میتوان هدف اصلی و واقعی وضع قانون را درک و بشکل درست آنرا تسوید نمود؟

4. Understanding the persons (stakeholders) and agencies (implementers) involved in the legislation.

۴. تشخیص و شناختن افراد (ذیربط / ذینفع) و ارگانهای (ارگانهای تطبیق کننده) دخیل در قانون مورد نظر.

- (a) Analyzing social problems by considering stakeholders and implementing agencies.
- (b) Analyzing stakeholder behavior using problem-solving techniques.
- (1) What is a "stakeholder"?
- (2) Who is involved (generally) in the problem? (This can include individuals, organizations, and Government agencies.)
- (3) More specifically, what *persons* (individuals, organizations, governmental agencies) and what *behaviors* (actions or inactions / omissions) of these persons actually contribute to (or cause) the problem? In other words, who is contributing to (or causing) the problem? And what are they doing (or not doing) that is contributing to (or causing) the problem?
- (4) Who is affected by the problem? In what way are these persons affected?
- (5) What persons are intended to be covered (or excluded) by the legislation?
- (c) Analyzing implementing agency behavior using problem-solving techniques.
- (1) What is an "implementing agency"?
- (2) Who will be responsible for administering the provisions of the legislation? What governmental agency or official, or private organization or person, is
- (أ) تحلیل و تجزیه مشکلات اجتماعی با در نظرداشت افراد ذینفع و ارگانهای تطبیق کننده.
- (ب) تحلیل سلوک افراد ذینفع با استفاده از شیوه های حل مشکلات.
- (۱) فرد یا طرف ذینفع کیست؟
- (۲) در مشکل موجوده (عموماً) کی ها دخیل اند؟ (ممکن است افراد، سازمانها، و ارگانهای دولتی در مشکل دخیل باشند.)
- (۳) اگر مشخصاً بگوئیم، کدام اشخاص (افراد، سازمانها، و ارگانهای دولتی) و چه نوع سلوک (انجام یا ترک عمل) این اشخاص در ایجاد مشکل سهم دارند (یا سبب) ایجاد آن شده اند؟ به عبارت دیگر، کی در ایجاد مشکل سهم دارد (یا سبب) ایجاد آن میشود؟ انجام یا ترک کدام کار سبب ایجاد مشکل میشود؟
- (۴) از مشکل متذکره کی متضرر میشود؟ و این اشخاص از چه طریقی متضرر میشوند؟
- (۵) مخاطبین قانون کدام اشخاص اند یا (کدام اشخاص از خطاب قانون مستثنی میباشند)؟
- (ت) تحلیل و ارزیابی سلوک ارگان تطبیق کننده با استفاده از روشهای حل مشکلات.
- (۱) "ارگان تطبیق کننده" یعنی چه؟
- (۲) چه کسی مسئول تطبیق احکام این قانون است؟ کدام ارگان یا مقام دولتی، سازمان ویا شخص مسئول نظارت از کسانیکست که در مشکل

<p>responsible for oversight of the persons that are involved in the problem (identified above)?</p> <p>(3) Is a new official or agency needed to administer the legislation? Is an existing agency appropriate to administer the legislation?</p> <p>(4) Does the administrator need additional powers, resources (such as funding), or personnel? If an existing agency is appropriate to administer the legislation, does the agency need expanded authority, resources (funding), or personnel?</p>	<p>دخیل اند (مشکلی که در بالا شناسایی گردید)؟</p> <p>(۳) آیا به یک مقام یا ارگان جدید نیاز است تا وظیفه تطبیق این قانون را بعهده گیرد؟ آیا ارگان فعلی شایستگی آنرا دارد که قانون را تطبیق نماید.</p> <p>(۴) آیا مرجع تطبیق کننده به قدرت، امکانات (مانند کمکهای مالی) یا کارمندان بیشتر نیاز دارد؟ اگر ارگان فعلی شایستگی تطبیق قانون را دارد، پس، آیا صلاحیت و امکانات یا کارمندان آن افزایش داده شود؟</p>
<p>5. Researching existing law, in order to put draft legislation into context.</p> <p>(a) Existing law — research techniques and available resources.</p> <p>(1) Electronic research: Computers and the Internet.</p> <p>(2) Library (book) research.</p> <p>(3) Other sources for research.</p> <p>(b) Sources of law in Afghanistan.</p> <p>(1) Sharia law.</p> <p>(2) The Constitution.</p> <p>(3) International treaties, conventions, and agreements.</p> <p>(4) Afghan laws.</p> <p>(5) Afghan regulations.</p> <p>(6) Traditional law.</p> <p>(7) Other Afghan law.</p> <p>(c) Identifying conflicts between the legislation and existing law.</p> <p>— How to identify significant differences between draft legislation and existing Afghan law.</p>	<p>۵. تحقیق / مطالعه و بررسی قانون موجوده، بخاطر انطباق سیاق طرح قانون با سیاق آن.</p> <p>(أ) قانون فعلی — روش های تحقیق / مطالعه و منابع موجوده.</p> <p>(۱) تحقیق و جستجوی الکترونیکی: کامپیوترها و اینترنت.</p> <p>(۲) تحقیق در کتابخانه (کتاب).</p> <p>(۳) منابع دیگر تحقیق.</p> <p>(ب) قانونگذار حین تسوید، قوانین آتی را در نظر بگیرد.</p> <p>(۱) شریعت اسلامی.</p> <p>(۲) قانون اساسی.</p> <p>(۳) معاهدات، موافقت، و قرارداد های بین المللی.</p> <p>(۴) قوانین افغانستان.</p> <p>(۵) مقررات افغانستان.</p> <p>(۶) قوانین سنتی</p> <p>(۷) سایر قوانین افغانستان.</p> <p>(ت) تشخیص و شناسایی موارد تناقض میان طرح پیشنهادی و قانون نافذ.</p> <p>— چگونه میتوان موارد مهم اختلاف میان طرح پیشنهادی و قانون نافذ فعلی افغانستان را شناسایی نمود.</p>
<p>6. What to do when legislation conflicts with existing law.</p> <p>(a) Amendment of existing law to achieve purposes of the legislation.</p> <p>(1) Amendment terminology in Afghanistan: "amendment", "addition", "omission", "completion", and "repeal".</p> <p>(2) When to use amendments.</p>	<p>۶. در صورتیکه طرح قانون با قانون نافذه فعلی در تناقض باشد، چه باید کرد.</p> <p>(أ) قانون نافذه غرض رسیدن به اهداف قانون پیشنهادی.</p> <p>(۱) اصطلاحات تعدیل در افغانستان: "تعدیل"، "ایزاد"، "حذف"، "تکمیل" و "الغاء".</p> <p>(۲) چه وقت تعدیل صورت گیرد.</p>

- | | |
|--|--|
| <p>(3) Amendments compared to complete replacement (repeals) of existing law.</p> <p>(4) Methods of amendment.</p> <p>(b) Explicit repeal of provisions of existing law that are inconsistent with the legislation.</p> <p>(1) When to use replacement (or repeal) of existing law.</p> <p>(2) Methods of repeal.</p> <p>(c) Implicit repeal of inconsistent provisions of existing law.</p> <p>(1) This is not recommended, but we will discuss the pros and cons of "blanket" repeals.</p> <p>(2) This also involves a discussion of statutory interpretation.</p> | <p>(۳) تعدیلات در مقایسه با جایگزینی کامل (الغاءات) در قانون نافذ.</p> <p>(۴) روش های ایجاد تعدیل.</p> <p>(ب) الغای آشکار و صریح آنعده از احکام قانون نافذ که در تناقض با مفاد طرح قانون جدید قرار دارد.</p> <p>(۱) چه وقت جایگزینی (یا لغو) در قانون نافذ صورت گیرد.</p> <p>(۲) روش های لغو کردن.</p> <p>(ت) لغو ضمنی احکام متناقض قانون فعلی.</p> <p>(۱) به همچو عملی توصیه نمیشود، اما فواید و نواقص همچو الغاءات ضمنی باید مورد بحث قرار گیرد.</p> <p>(۲) این امر شامل بحث در مورد تفسیر قوانین نیز میشود.</p> |
|--|--|

7. Statutory interpretation in Afghanistan and the United States.

۷. تفسیر قوانین در افغانستان و ایالات متحده امریکا.

- | | |
|---|--|
| <p>(a) How is legislation interpreted in other countries?</p> <p>(1) Newer legislation supersedes existing legislation.</p> <p>(2) Hierarchy of laws:</p> <p>1- (Islamic <i>Sharia</i>.)</p> <p>2- The Constitution.</p> <p>3- International law.</p> <p>4- Laws (statutes) enacted or approved by a legislative body.</p> <p>5- Regulations enacted by an executive official or agency.</p> <p>6- Court or agency rules or procedures.</p> <p>7- Internal agency rules or procedures.</p> <p>8- (Traditional law.)</p> <p>(3) More specific legislation supersedes general legislation on the same subject matter.</p> <p>(4) The same terms (words or phrases) have the same meaning.</p> <p>(5) Different terms (words or phrases) have different meanings.</p> <p>(6) A law should be construed to that none of the terms are redundant.</p> <p>(7) A law should be read to avoid internal inconsistencies.</p> | <p>(أ) قانون در کشور های دیگر چطور تفسیر میشود؟</p> <p>(۱) قانون جدید قانون موجوده را لغو میکند.</p> <p>(۲) سلسله مراتب قوانین:</p> <p>۱- (شریعت.)</p> <p>۲- قانون اساسی.</p> <p>۳- قانون بین المللی.</p> <p>۴- قوانینی که از طرف یک هیئت یا ارگان قانونگذار وضع و یا تصویب میشود.</p> <p>۵- مقرراتیکه توسط یک مقام یا ارگان مجریه وضع و یا تصویب میشود.</p> <p>۶- اصول یا طرز العمل های محاکم یا ادارات.</p> <p>۷- (اصول یا طرز العمل های داخلی ادارات.)</p> <p>۸- (قوانین سنتی.)</p> <p>(۳) قانون مشخص تر جایگزین قانون عام تر در عین موضوع میگردد.</p> <p>(۴) عین اصطلاح (کلمات یا عبارات) دارای عین مفهوم میباشد.</p> <p>(۵) اصطلاحات مختلف (کلمات یا عبارات) دارای مفاهیم مختلف میباشد.</p> <p>(۶) یک قانون باید طوری تفسیر شود که هیچ اصطلاح / کلمه آن اغماض نشود.</p> <p>(۷) قانون باید طوری تفسیر شود که از تناقضات داخلی جلوگیری شود.</p> |
|---|--|

(8) Words are to be given their common meaning, unless they are technical terms or terms of art.	(۸) از کلمات باید معنی عام آن برداشت شود، مگر اینکه کلمات تخصصی یا فنی باشد.
(b) How is legislation (in general – not a specific draft) interpreted in Afghanistan?	(ب) قوانین (بطور عموم – نه کدام مسوده خاص) در افغانستان چطور تفسیر میشوند؟
(1) Who does the interpretation? (First, the implementer of the law. Then, if there is a challenge to a provision, the courts.)	(۱) کدام مرجع قوانین را تفسیر میکند؟ (اولاً، مرجع تطبیق کننده قانون. سپس اگر علیه احکام قانون اعتراضی وجود داشته باشد، از طرف محاکم صورت میگیرد.)
(2) What are the standards or rules for interpretation? How do these compare with the standards or rules used in other countries?	(۲) معیارها و اصول تفسیر قوانین کدامها اند؟ این معاییر و اصول در مقایسه با اصول و معاییری که در کشورهای دیگر مورد استفاده است، در کدام موقعیتی قرار دارند؟
(c) What improvements could be made to aid in statutory interpretation in Afghanistan? (Perhaps a “law on the interpretation of laws”, such as is often enacted in other nations. Such a law should probably include the following:)	(ت) جهت کمک به تفسیر قوانین در افغانستان، کدام نوع بهبود و اصلاحات را میتوان بمیان آورد؟ (ممکن است قانونی تحت عنوان “قانون تفسیر قوانین” وضع گردد؛ این کار در کشورهای دیگر نیز صورت گرفته است. همچو قانونی میتواند شامل امور ذیل گردد:)
(1) Status of existing law.	(۱) جایگاه قوانین موجوده.
(2) Interpretation of new laws in context of existing law.	(۲) تفسیر قوانین جدید در سیاق قوانین موجوده.
(3) Interpretation of specific terms that are used in many (or most) laws or regulations. (For example, “person”, singular including the plural, gender-specific terms (he / she) including both genders, etc.)	(۳) تفسیر اصطلاحات مشخصی که در بسیاری از قوانین یا مقررات بکار برده شده است. (بعنوان مثال، “شخص”، به صیغه مفرد شامل جمع میشود. اصطلاح “او” شامل زن و مرد میشود، و غیره.)
8. Use of requirements, authorizations, and prohibitions: The 3 main linguistic tools of legislation.	۸. کاربرد شرایط یا مقتضیات، اختیارات و ممنوعیت ها: سه اصل عمده زبانی در قانونگذاری.
(a) Requirements: Requiring certain behavior (which may include providing incentives or disincentives for the behavior or imposing sanctions for violations or omissions) (“shall”).	(أ) شرایط یا مقتضیات: مطالبه سلوک مشخص (که این کار شامل مشوق ها یا مخوف ها برای انجام همچو سلوک یا وضع مجازات در صورت ترک آن میباشد) (“باید....(میشود، نمیشود و غیره”).
(1) Provisions of law very often require a person to act (or not act) in a certain way. In order to be effective, these types of requirement provisions also need to have a means to ensure that the required behavior is actually carried out.	(۱) احکام قانون اکثراً اشخاص را به انجام یا ترک یک عمل به شیوه خاص حکم میکند. بخاطر مؤثر بودن این امر، همچو احکام به وسائلی که تطبیق آنرا یقینی سازد، نیاز دارد.
(2) This can be done by enforcement (that is, criminalizing or sanctioning violations of the	(۲) این کار از طریق تطبیق صورت میگیرد (و آن طور است که تخلف

requirement).	از شرایط وضع شده عملی جرمی شناخته میشود یا بالای آن مجازات وضع گردد).
(3) But another, often better means is to encourage the desired (required) behavior by providing for some type of <u>incentive or benefit</u> for carrying out the desired (required) behavior.	(۳) اما یکی دیگر و معمولاً وسیله بهتر تر برای تشویق نمودن انجام سلوک مطلوبه (الزامی)، فراهمی انواع مشوقها یا امتیازات میباشد.
(4) A similar means is to provide a <u>disincentive</u> for <u>not</u> carrying out the required behavior (but not by criminalization or sanction).	(۴) یکی از وسایل مشابه فراهم نمودن امور بازدارنده برای انجام ندادن یک عمل (نه از طریق جرم شناختن یا وضع مجازات در صورت تخلف از سلوک مطلوبه میباشد).
(b) Authorizations: Authorizing, allowing, or permitting certain behavior ("may").	(ب) اختیار دادن: مجاز دانستن، اجازه دادن یا مباح ساختن یک سلوک مشخص ("میتوان....").
(1) Granting permission to do (or not to do) something is another main tool of legislation.	(۱) اعطای اجازه برای انجام یک کار (یا عدم انجام آن) یک اصل مهم دیگر قانونگذاری پنداشته میشود.
(2) But because permitting something is not <u>requiring</u> it to be done (or not to be done), enforcement provisions are unnecessary.	(۲) اما ازینکه مجاز دانستن یک چیزی به معنای لازمی ساختن انجام (یا عدم انجام آن) نیست، احکام تنفیذی ضروری پنداشته نمیشود.
(3) But incentives and disincentives can play an important part in provisions that permit (but do not require) certain behavior. Incentives encourage the behavior. Disincentives discourage behavior.	(۳) لیکن امور مشوقه و مخوفه نقش مهمی را در احکامی که انجام و ترک یک سلوک را مجاز میداند (یعنی انجام و ترک آن مطلوب نیست) بازی میکند. مشوقات سلوک انسان را به انجام یک عمل تشویق مینمایند و مخوفات بر عکس مشوق ترک یک عمل است.
(c) Prohibitions: Forbidding certain behavior ("may not" / "shall not"). Enforcement (sanctions for violations).	(ت) ممنوعیت ها: منع کردن از سلوک مشخص. ("نمیتوان / نباید....") این کار از طریق وضع مجازات برای تخلفات صورت میگردد.
(1) For a provision of law to be effective at prohibiting a certain behavior, it must be clearly drafted and it must have effective means to enforce the prohibition.	(۱) برای مؤثریت احکام قانون غرض منع ارتکاب سلوک مشخص، این احکام باید بطور واضح تسوید شود و باید دارای وسائل باشد که در منع ارتکاب این سلوک مؤثر واقع گردد.
(2) Probably the most common means of enforcing prohibitions is by criminalizing or sanctioning behavior. However, criminalization and sanctions are not always the best tool to achieve a certain goal or to change or encourage certain behaviors.	(۲) احتمالاً، وسیله عمومی برای منع ارتکاب سلوک از طریق جرم شناختن همچو سلوک یا وضع مجازات میباشد. هرچند، جرم شناختن و وضع مجازات همیشه وسیله خوب برای رسیدن به یک هدف مشخص یا تغییر یا تشویق به سلوک مشخص نمیشود.
(d) Use with Implementing Agencies and Officials: Use of "shall", "may", and	(ث) کاربرد اصطلاحات به ارتباط مراجع و

“may not” / “shall not” with implementing agencies and officials.

- (1) Requiring actions (“shall”). These provisions are used to compel an official or agency to take some specified action. (For example, “Not later than 30 days after the beginning of each calendar year, the Minister of Finance shall submit to the Parliament and the President a report detailing governmental expenditures made in the previous calendar year.”)
- (2) Granting authority (“may”). These provisions are used to grant authority to governmental agencies (the implementing agency for the legislation) or officials in order to carry out the legislation. (For example, “The Minister of Transportation may collect a fee on commercial vehicles with 3 or more axles for use of roadways leading into Kabul City. The fee may not exceed 10 Afghani per axle per entry.”)
- (3) Limiting authority (“may not” / “shall not”). These provisions can be used to place limitations on the powers or authority of Government officials or agencies. (For example, “The Attorney General shall not undertake prosecution of a person without substantial evidence that the person has engaged in criminal behavior.”)

مقامات تطبیق کننده: استعمال کلمات

"باید"، "میتوان"، و "نباید / نمیتواند" برای

(۱) ملزم ساختن اعمال ("باید"). این احکام غرض مکلف نمودن یک مقام یا اداره بر انجام یک عمل مشخص استفاده میشود. (مانند، "در جریان ۳۰ روز بعد از آغاز هر سال، وزارت مالیه بر ارائه گزارش تمام مصارف سال گذشته حکومت به شورای ملی و رئیس جمهور، مکلف میباشد.")

(۲) اعطای صلاحیت ("میتوان"). این احکام بخاطر اعطای صلاحیت تطبیق قانون به مراجع دولتی (مراجع تطبیق کننده قانون) استفاده میشود. (مانند، "وزارت ترانسپورت میتواند از آنده وسایط باربری که از جاده کابل استفاده میکنند، حق العبور بگیرد. مبلغ حق العبور نمیتواند از ۱۰ افغانی بیشتر باشد.")

(۳) محدود ساختن صلاحیت ("میتوان / باید"). این احکام را میتوان بخاطر محدود ساختن صلاحیت مراجع و مقامات حکومتی تطبیق کننده قانون. (مانند، "حارنوالی نمیتواند بدون شواهد مثبته که ارتکاب یک عمل جرمی را بالای شخص ثابت کند، کسی را به محاکمه بکشاند.")

جلسه (۲)

فهم و درک مشکلاتیکه قانون به حل آن میپردازد

SESSION 2

**UNDERSTANDING THE PROBLEM TO BE SOLVED
BY THE LEGISLATION**

Session 2. Understanding the problem to be solved by the legislation.

- (1) Understanding the “actual” intent of the legislation, not just the “superficial” intent that may appear in the words of the draft.
- (2) Asking the right kinds of questions of the proponent of the legislation in order to understand its intent.

جلسه ۲. فهم و درک مشکلاتیکه قانون به حل آن میپردازد.

- (۱) درک هدف و مقصد "واقعی" قانونگذاری، نه فقط هدف ظاهری ایکه در قالب الفاظ مسوده ظاهر میشود.
- (۲) طرح سوالات درست و دقیق از مقام / مرجع پیشنهاد کننده طرح مسوده بمنظور درک درست هدف و مقصد از وضع قانون.

Legislative problem-solving techniques: Understanding the problem to be solved by the legislation.

- (a) Importance of precisely identifying the social problem or issue to be addressed by legislation.
 - (1) The essential job of a professional legislative drafter is to make sure that the legislation will solve the problem being addressed by the sponsor (proponent) of the legislation.
 - (2) It is very important to ask the right kinds of questions of the proponent of the legislation in order to understand the “actual” intent of the legislation, not just the “superficial” intent that may appear in the words of the draft.
- (b) Identifying social problems.
 - (1) What is the problem the legislation seeks to solve?
 - (2) What is the best way to state the problem? (For example, “Rural farmers are unable to get their crops to market in a cost-effective way.”)
 - (3) What are ways not to state the problem? (For example, “There is no law on [topic].”)

شیوه های حل مشکلات از طریق وضع قوانین: فهم و درک مشکلی که باید از طریق وضع قانون حل گردد.

- (ا) اهمیت شناخت دقیق مشکل اجتماعی یا قضیه ایکه در قانون بدان رسیدگی میشود.
 - (۱) متیقن شدن ازینکه وضع قانون جدید میتواند مشکلی را که مقام / مرجع پیشنهاد کننده در پی حل آن است، حل نماید و این از جمله وظایف اساسی قانونگذار مسلکی میباشد.
 - (۲) طرح سوالات درست از مقام مسئول (مرجعیکه میخواهد قانون وضع کند) بمنظور درک هدف و مقصد "واقعی" وضع قانون، نه فقط هدف "ظاهری" ایکه در قالب الفاظ مسوده ظاهر میشود، خیلی مهم تلقی میگردد.
- (ب) شناسایی مشکلات اجتماعی.
 - (۱) مشکلی که میخواهیم از طریق وضع قانون آنرا حل کنیم، کدام است؟
 - (۲) بهترین راه برای حل مشکل کدام است؟ (بعنوان مثال، "دهاقین روستایی قادر نیستند حاصلات خود را با هزینه کم به بازار برسانند.")
 - (۳) شیوه هاییکه نباید در رسیدگی به مشکل از آن استفاده شود، کدامها اند؟ (بعنوان مثال، "در رابطه به هیچ قانونی وضع نگردیده است.")

Checklist of questions for identifying problematic behaviors:

1. *What* are the overt manifestations of the problem?
2. *Who* is directly affected by the manifestations?
3. *Where* is it happening?
4. *When* is it happening?
5. *Whose behavior* causes or contributes to the problem *directly*?
6. *Whose behavior* causes, contributes to, or permits the problem *indirectly*?

NOTE:

This checklist is not comprehensive. These are examples of the most basic types of questions that are generally applicable. Moreover, not all of the questions above may always be applicable in the examination of every social problem. The drafter should ask whatever questions are appropriate.

فهرست سوالات (چک لیست) جهت تشخیص سلوک مشکل ساز:

۱. ظهور آشکار مشکل چگونه می باشد؟
۲. با ظهور این مشکل که متضرر می شود؟
۳. مشکل در کجا واقع می شود؟
۴. چه وقت واقع می شود؟
۵. سلوک کدام افراد به شکل مستقیم باعث ایجاد مشکل شده است و یا در ایجاد آن سهم داشته است؟
۶. سلوک کدام افراد به شکل غیر مستقیم باعث مشکل شده است و یا در ایجاد مشکل سهم داشته و یا به آن اجازه داده است؟

تذکر:

این فهرست سوالات یک لیست جامع و تمام عیار نمی باشد. بلکه مجموعه از سوالات نمونه ای می باشد به شکل عام از آن استفاده به عمل می آید. قابل یاد آوری است که ممکن است تمامی سوالات فوق در همه وقت جهت تشخیص یک مشکل اجتماعی قابل تطبیق نباشد. البته وظیفه مسود است که سوالات را متناسب به چگونگی قضیه جهت تشخیص مشکل اجتماعی مطرح نماید.

جلسه (۳)

اهمیت افهام و تفهیم و همکاری در پروسه قانونگذاری

SESSION 3

**IMPORTANCE OF COMMUNICATION AND
COLLABORATION IN THE LEGISLATIVE PROCESS**

Importance of communication and collaboration in the legislative process.

اهمیت افهام و تفهیم و همکاری در پروسه قانونگذاری

- | | |
|--|--|
| <p>(a) Is there a “client”? If so, who (or what governmental agency) is the “client”?</p> <p>(b) Is there an “attorney-client” relationship?</p> <p>(c) Is there an obligation to communicate with the client / proponent?</p> <p>(d) Is there an advantage to communicating with the client / proponent?</p> <p>(e) How does ongoing communication with the client / proponent of the legislation help the drafter? How does it help the client / proponent and others?</p> <p>(f) Without ongoing and in-depth communication with the client / proponent, how can the real intent of the legislation be understood and properly drafted?</p> | <p>(أ) آیا "موکل" وجود دارد؟ اگر وجود دارد، کی (یا کدام ارگان دولتی) "موکل" است؟</p> <p>(ب) آیا رابطه "وکیل-موکل" وجود دارد؟</p> <p>(ت) آیا لازم نیست که با موکل / مرجع پیشنهاد کننده تماس برقرار و گفتگو صورت گیرد؟</p> <p>(ث) آیا در برقراری ارتباط با موکل / مرجع پیشنهاد کننده فایده ای نهفته است؟</p> <p>(ج) چطور ارتباط دوامدار با موکل / مرجع پیشنهاد کننده، میتواند به قانونگذار کمک کند؟ و چطور این عملیه میتواند به موکل / مرجع پیشنهاد کننده و سایر افراد کمک کند؟</p> <p>(ح) بدون ارتباط دوامدار و عمیق با موکل / مرجع پیشنهاد کننده، چطور میتوان هدف اصلی و واقعی وضع قانون را درک نموده و بشكل درست آنرا تسوید نمود؟</p> |
|--|--|

TITLE I—DRAFTING PRINCIPLES UNDERLYING THE HOUSE LEGISLATIVE COUNSEL'S OFFICE STYLE

عنوان ۱—اصول تسوید قوانین راجع به طرز قانونگذاری در کمیسیون تقنینی ولسی جرگه

SEC. 101. START.

This manual assumes that the attorney assigned to draft legislation already has (or is in the process of learning) the 4 basic drafting skills:

- (1) Find out what the client *really* wants to do.
- (2) Analyze the legal and other problems in doing that.
- (3) Help the client come up with solutions to these problems that will—
 - (A) be administrable and enforceable; and
 - (B) keep hassles and litigation to a minimum.
- (4) Convince the client that the drafter is the best to come down the pike since Solomon.

* * * * *

بخش ۱۰۱. آغاز.

مطابق این لائحة، حقوقدانی که به تسوید قوانین مؤظف میشود (یا در مرحله آموزش است) باید دارای ۴ مهارت اساسی قانونگذاری باشد:

- (۱) هدف و مقصد واقعی مرجع پیشنهاد کننده قانون را دریافت نماید.
- (۲) در جریان این کار مشکلات حقوقی و سائر مشکلات را تحلیل کند.
- (۳) با مرجع پیشنهاد کننده قانون در یافتن راه های حل همکاری نماید تا—
 - (الف) قابل اجراء و تطبیق باشد؛ و
 - (ب) منازعات و دعاوی را در حد اقل حفظ نماید.
- (۴) مرجع پیشنهاد کننده را به این قانع سازد که قانونگذار بهترین شخصی است که بعد از حضرت سلیمان ظاهر میشود.

* * * * *

REGULATION GOVERNING THE
OPERATIONS AND ACTIVITIES OF THE
MINISTRY OF JUSTICE

* * * * *

Chapter 2:
Duties and Primary Responsibilities of the
Ministry of Justice

Article 6:

The main duties of the Ministry of Justice of the Islamic Emirate of Afghanistan are as follows:

....

- 9 – Cooperation with other ministries and departments in preparing proposals relating to the development of law-making, fighting corruption, training legal cadres, promoting Islamic and legal studies, and resolving other issues.

....

* * * * *

Article 7:

The Ministry of Justice shall have the following specific duties:

- 1 – Drafting laws and edicts of the Council of Ministers of the Islamic Emirate of Afghanistan and Government decrees by order of superior authorities and its own initiative and expressing opinion regarding the draft of the main legal documents which are sent by the ministries and departments for review to the Supreme Council and the Government.

....

- 10 – Cooperation with the Supreme Court, the Ministry of Interior, and other authorized departments and institutions in order to conduct social research in order to use their for the purpose of strengthening the rule of Islamic law and developing affairs related to the fight against crimes.

....

مقررۂ تنظيم اجراءات و فعاليتهاي
وزارت عدليه

* * * * *

فصل دوم
وظايف و صلاحيت هاي عمده وزارت عدليه

ماده ششم:

وظايف عمده وزارت عدليه امارت اسلامي افغانستان عبارت اند از:

....

- ۹ – همکاري با ديگر وزارت ها و ادارات در ترتيب پيشنهادهات مبني بر تکامل قانونگذاري، مبارزه با فساد، تربيه کادر هاي حقوقدان، انکشاف علوم اسلامي و حقوقي و حل و فصل ساير مسائل.

....

* * * * *

ماده هفتم:

وزارت عدليه اجراي وظايف ذيل را به عهده داد:

- ۱ – ترتيب مسوده هاي قانون و فرامين شوراي عالي امارت اسلامي افغانستان و تصاويب حکومت نظر به هدايت مقامات فوقاني و ابتکار خود و ابراز نظر راجع به مسوده هاي اسناد عمده تقنيني، که توسط وزارت ها و ادارات جهت بررسي بشوراي عالي و حکومت پيشنهاده ميگردد.

....

- ۱۰ – مساهمت با ستره محکمه، وزارت امور داخله و ساير مؤسسات و ادارات ذيصلاحي در پيش برد تحقيقات جامعه شناسي جهت استفاده از نتايج آن به مقصد تحکيم قانونيت اسلامي و تکامل امور مبارزه عليه جرايم.

....

15 – Using the experiences of veteran and experienced cadres to incorporate into the activities of talented young staff and appointment of young and talented specialists to the leadership positions.	۱۵ – استفاده از تجربه کادر های سابقه دار و مجرب در فعالیت کارکنان جوان و ورزیده و توظيف متخصصين جوان و ورزیده به پست های رهبری.
19 – Cooperating with other ministries and departments of the Islamic Emirate of Afghanistan on issues related to their activities and convening of meetings regarding common issues in the relevant fields and participation in them.	۱۹ – همکاری با سایر وزارت ها و ادارات امارت اسلامی افغانستان در مورد مسائل مربوط فعالیت شان و تدویر جلسات راجع به مسائل مشترک ساحات مربوط و اشتراک در آن.
20 – Requesting the opinions of ministries and departments on their drafted the laws and regulations that are drafted by them and attracting capable specialists of ministries, departments and scientific and educational institutions to participate in developing the laws based on the agreement of responsible authorities of the related ministries and departments.	۲۰ – مطالبه نظریات وزارت ها و ادارات راجع به مسوده قوانین و مقرره هائیکه از طرف آنها طرح میگردد و جلب متخصصین ورزیده وزارت ها، ادارات، مؤسسات علمی و تعلیمی جهت اشتراک در امور مربوط به تکامل قوانین نظر به موافقه مسئولین وزارت ها و ادارات مربوط.
* * * * *	* * * * *

REGULATION GOVERNING THE
PROCEDURE FOR PREPARING AND
PROPOSING LEGISLATIVE
DOCUMENTS

* * * * *

Chapter 2:
Planning Legislative Works

* * * * *

Article 13:

The Ministry of Justice of the Islamic Emirate of Afghanistan shall be responsible for ensuring coordination and provision of educational assistance to ministries and departments in relation to the preparation of legislative documents as well as monitoring the implementation of the plan.

* * * * *

Chapter 3:
Method of Preparation and Coordination
of Legislative Documents

Article 16:

- (1) The minister or the director of the department responsible for preparing the legislative document shall appoint an authorized committee consisting of the officials of the ministry or the department as well as experts in order to prepare the legislative document.
- (2) If the preparation of the draft is undertaken by a number of ministries or departments, a mixed working committee shall be formed from their representatives.

The director put in charge of preparing the legislative document shall guide and coordinate the activities of the committee.

Article 17:

In order to codify highly important legislative documents, a committee can be constituted by the Islamic Emirate of Afghanistan or by the Council of Ministers.

مقررۀ طرز العمل تهیه و پیشنهاد
اسناد تقنینی

* * * * *

فصل دوم
ترتیب طرح (پلان گزاری) کار تقنینی.

* * * * *

مادۀ سیزدهم:

تأمین هم آهنگی و کمک علمی با وزارت ها و ادارات در ترتیب اسناد تقنینی و همچنان مراقبت از تطبیق طرح (پلان) به عهده وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان میباشد.

* * * * *

فصل سوم
طرز تهیه و هم آهنگ ساختن اسناد تقنینی

مادۀ شانزدهم:

- (۱) وزیر یا آمر اداره ای که مسؤول تهیه سند تقنینی می باشد، جهت تهیه سند تقنینی هیأت با صلاحیتی را مشتمل بر مامورین وزارت یا اداره و متخصصین تعیین می نماید.
 - (۲) در صورتیکه ترتیب مسوده توسط چند وزارت یا اداره صورت گیرد، با ساس تصمیم مشترک آمران این وزارت ها و ادارات، هیأت مختلط از نماینده گان آنها تشکیل میگردد.
- آمریکه مسؤول ترتیب سند تقنینی می باشد، فعالیت هیأت مختلط را رهنمایی و هم آهنگ میسازد.

مادۀ هفدهم:

به منظور تدوین اسناد تقنینی بسیار مهم، میتواند هیأتی از طرف مقام امارت اسلامی افغانستان و یا هم شورای وزیران تشکیل شود.

Article 18:

The delegation shall begin its work by relying on Islamic *Sharia* Hanafi jurisprudence, The Islamic Emirate applicable legislation, experiments, and experiences of other Islamic countries, scientific works, proposed opinions of Afghan nationals and specialists, and other necessary sources.

Article 19:

The committee shall commence its task by studying the Hanafi jurisprudence (*Fiqh*) of the Islamic law, the applicable legislative documents of the Islamic Emirate of Afghanistan and Muslim countries and the experiences gained from their implementation, scholarly literature, the published opinions proposed by citizens of the nation, opinions of experts on the subject, and other necessary materials.

Article 20:

- (1) While drafting the legislative document, the need for development and stability of legal system in related issues shall be taken into account to obviate any subsequent amendments and attachments.
- (2) While drafting the legislative document, the expected consequences resulting from the legislative document should be evaluated and identified. In addition, it should be determined which applicable legislative document will be amended, complemented, or abrogated as a result of the coming into force of the new legislative document.

Article 21:

In addition to the representatives of the ministries, departments, and interested experts, the authorized representatives from large academic institutions and the mass media can also be invited to attend the study and discussion of the initial draft of the legislative document. The initial draft of the legislative document is complete by taking into account the observations, suggestions, and opinions that are presented.

Article 22:

The drafted legislative document along with the written explanation by the Minister or the head of the department in charge of its preparation is first sent to the Ministries of Planning, Finance, and other relevant ministries and departments of the Islamic Emirate of

ماده هجدهم:

هیأت کار خود را از مطالعه فقه حنفی شریعت اسلامی، اسناد تقنینی نافذ امارت اسلامی، و کشور های اسلامی تجارب حاصله از تطبیق آنها، آثار علمی، نظریات پیشنهادی نشر شده اتباع کشور و متخصصین وارد در موضوع وسایر مواد لازم شروع مینماید.

ماده نوزدهم:

هنگام طرح و تدوین سند تقنینی باید مطابقت معیارهای حقوقی نافذ در مسایلی که در سند تقنینی حل و فصل خواهد گردید با اهداف و خط مشی امارت اسلامی افغانستان تعیین شود، خلاها، مغایرت ها و سایر نواقصیکه در اسناد تقنینی نافذ در مسایل مذکور وجود دارد، بر ملا گردد.

ماده بیستم:

- (۱) در ترتیب سند تقنینی باید ضرورت تکامل و ثبات نظام حقوقی در مسایل مربوط مد نظر گرفته شود تا از تعدیلات و ضمایم بعدی جلوگیری بعمل آید.
- (۲) ضمن ترتیب سند تقنینی باید نتایج متوقعه ناشی از تطبیق سند تقنینی ارزیابی و تشخیص گردد و همچنان معین شود که در اثر نفاذ سند تقنینی جدید کدام یک از اسناد تقنینی نافذ، تعدیل، تکمیل و یا لغو میگردد.

ماده بیست و یکم:

در جریان غور و بحث روی طرح اولیه سند تقنینی علاوه از نمایندگان وزارتها، ادارات و متخصصین ذیعلاقه، از نمایندگان با صلاحیت مؤسسات بزرگ علمی و وسایل اطلاعات جمعی نیز دعوت بعمل آمده میتواند، با نظر داشت ملاحظات، پیشنهادات و نظریات ارائه شده، طرح اولیه سند تقنینی، تکمیل میگردد.

ماده بیست و دوم:

سند تقنینی ترتیب شده توأم با توضیح کتبی از طرف وزیر یا آمر اداره ایکه مسؤول ترتیب آن می باشد، نخست به وزارت پلان، وزارت مالیه و سایر وزارت ها و ادارات ذیعلاقه امارت اسلامی افغانستان غرض کسب موافقت

Afghanistan for the purpose of obtaining their consent and then it shall be submitted to the Ministry of Justice for final scrutiny. The consent shall be obtained in accordance with the procedure established by the Council of Ministers.

ارسال ومتعاقباً جهت تدقیق نهائی بوزارت عدلیه سپرده میشود. کسب موافقه باسناد ترتیبی که از طرف شورای وزیران تعیین شده است، صورت میگیرد.

Chapter 4:
Procedure for Presentation of Legislative Document to Authorized Departments for Proceedings

فصل چهارم
ترتیب ارائه سند تقنینی جهت رسیدگی به ادارات ذیصلاح

Article 23:

The legislative document shall be sent to the Council of Ministers of the Islamic Emirate of Afghanistan irrespective of which governmental department is authorized to approve it.

ماده بیست و سوم:

سند تقنینی صرف نظر از اینکه کدام یک از ادارات امارت صلاحیت تصویب آنرا دارد، به شورای وزیران امارت اسلامی افغانستان ارائه میگردد.

Article 24:

- (1) The legislative document shall be sent to the Council of Ministers jointly by the minister or director of the department responsible for drafting it.

At the same time that the legislative document is presented, written explanations are also presented by the minister or head of the department in charge of drafting them.

- (2) The explanations shall contain the following:

- 1 – The necessity and purpose of the submitted legislative document.
- 2 – A brief evaluation of the valid legislative documents related to the issue.
- 3 – A brief evaluation of the contents of the legislative document and the new provisions that are introduced into the legal system.
- 4 – Expected consequences resulting from the application of the legislative document.
- 5 – The list of ministries and departments whose consent have been received and the differences that have existed.

The explanations shall not exceed 5 typed pages.

- (3) If the implementation of the legislative document entails considerable financial and

ماده بیست و چهارم:

- (۱) سند تقنینی توسط وزیر یا آمر اداره ایکه مسئول تهیه آن است و وزیر عدلیه مشترکاً به شورای وزیران ارائه میگردد.

همزمان با تقدیم سند تقنینی، توضیحات کتبی توسط وزیر یا آمر اداره ایکه مسئول ترتیب آن است نیز ارائه میشود.

- (۲) توضیحات حاوی مطالب ذیل می باشد:

- ۱ – ضرورت و هدف تصویب سند تقنینی ارائه شده.
- ۲ – ارزیابی مختصر اسناد تقنینی نافذ مربوط به موضوع.
- ۳ – ارزیابی مختصر محتوای سند تقنینی و احکام جدیدی که به نظام حقوقی وارد میگردد.
- ۴ – نتایج متوقعه ناشی از تطبیق سند تقنینی.
- ۵ – فهرست وزارت ها و اداراتیکه در مورد سند تقنینی توافق شان اخذ شده و اختلافات که وجود داشته است.

توضیحات نباید از پنج ورق تیپ شده اضافه باشد.

- (۳) در صورتیکه تطبیق سند تقنینی مستلزم مصارف مالی و مادی قابل ملاحظه باشد، باید محاسبات و

material expenses, the financial and economic calculations and documentations, statistical data and other necessary information which justify and support the proposal submitted shall be attached to the explanations together with the conclusions of the Ministry of Finance on the matter.

مدارک مالی و اقتصادی، ارقام احصائیوی و سایر معلومات ضروری ایکه پیشنهاد ارائه شده را موجه و متدل سازد بانتیجه گیری وزارت مالیه در مورد ضم توضیحات گردد.

Article 25:

Within the Council of Ministers of the Islamic Emirate of Afghanistan, the main report regarding the legislative document shall be presented by the minister or director of the responsible entity and the secondary report shall be presented by the Minister of Justice.

The Minister of Justice is also the main reporter.

* * * * *

**Chapter 5:
Basic Principles on the Format and
Contents of Legislative Documents**

* * * * *

Article 31:

If the applicable legislative document fully maintains its importance and only some of its provisions require amendment and completion, in that case, new text for the provisions that can be amended and complemented shall be added.

Article 32:

If necessary, the extent of the responsibility of the individuals and departments who are subject to the legislative document, shall also be clearly determined, in case of violation of the provisions of the legislative document by them.

* * * * *

ماده بیست و پنجم:

در شورای وزیران امارت اسلامی افغانستان گزارش اصلی در باره سند تقنینی توسط وزیر یا آمر مسئول اداره و گزارش فرعی در باره سند تقنینی توسط وزیر عدلیه داده میشود.

وزیر عدلیه میتواند گزارش دهنده اصلی باشد.

* * * * *

**فصل پنجم
اصول اساسی ساختار و محتوای سند تقنینی**

* * * * *

ماده سی و یکم:

در صورتیکه سند تقنینی نافذ اهمیت خود را بطور کل حفظ کند و صرف بعضی احکام آن ایجاب تعدیل یا تکمیل را بنماید، در این صورت در سند تقنینی متن جدید احکام قابل تعدیل و احکام تکمیلی درج میگردد.

ماده سی و دوم:

در سند تقنینی ادارات و اشخاصیکه سند تقنینی بالای آنها تطبیق میگردد، در صورت ضرورت باید حدود مسؤولیت آنها در برابر تخلف از احکام مندرج آن نیز بطور دقیق معین گردد.

* * * * *

CHARTER OF THE GENERAL
INSTITUTE FOR LAW-MAKING AND
ACADEMIC LEGAL RESEARCH
AFFAIRS

اساسنامه ریاست عمومی امور قانونگذاری
و تحقیقات علمی حقوقی

Chapter 1:
General Provisions

فصل اول
احکام عمومی

* * * * *

* * * * *

Article 5:

ماده پنجم:

- (1) Ministries, Government agencies and other departments of the Emirate are bound to send the draft of their legislative documents for scrutiny to the Legislative Institute.
- (2) The Legislative Institute has the authority, if necessary, to invite an authorized representative of the referring department to participate in the meetings of close examination of the drafting of legislative document.

- (۱) وزارت ها، تصدی های امارتی و سایر ادارات امارت مکلف اند طرح اسناد تقنینی مربوط را غرض تدقیق بریاست تقنین ارسال نمایند.
- (۲) ریاست تقنین صلاحیت دارد در صورت لزوم نماینده با صلاحیت مرجع ارسال کننده را در جلسات تدقیق طرح سند تقنین دعوت نماید.

* * * * *

* * * * *

Chapter 2:
Duties

فصل دوم
وظایف

Article 7:

ماده هفتم:

The Legislative Institute shall carry out the following tasks in the field of drafting and examination of legal documents:

ریاست تقنین در ساحة تسوید و تدقیق اسناد تقنینی وظایف ذیل را انجام میدهد:

- 1 -
- 2 - Drafting and examination of the laws the enactment of which is necessary in accordance with the objectives and policy of the Islamic Emirate.
- 3 - Drafting and examination of the laws that are drafted by different ministries and other departments in particular fields.
- 4 - Drafting and examination of the regulations that are enacted based on the law.
- 5 - Drafting and examination of the charters of the institutions and Government departments.
- 6 - Initiating new legislative documents.

- ۱ -
- ۲ - تسوید و تدقیق طرح قوانینیکه وضع آن مطابق اهداف و خط مشی امارت اسلامی ضروری باشد.
- ۳ - تدقیق طرح قوانینیکه از طرف وزارت ها و سایر ادارات امارت در ساحة خاص تسوید میگردد.
- ۴ - تسوید و تدقیق طرح مققراتیکه به اساس قوانین وضع میگردد.
- ۵ - تسوید و تدقیق طرح اسانامه های مؤسسات و ادارات امارتی.
- ۶ - ابتکار طرح جدید اسناد تقنینی.

* * * * *

* * * * *

Article 9:

The Legislative Institute shall carry out the following tasks in the field of study and investigation of laws and legal sciences:

....

- 3 – Studying the regulations the enactment and enforcement of which are ordered by especial laws and establishing contacts with the interested departments about them.
- 4 – Ensuring contact with the ministries and other Government departments pertaining to the sound understanding and examination of laws.
- 5 – Studying recommendations and views about legal problems, deficiencies, and defects and taking decisions regarding their removal by proposing the drafting of attachments, annulment, or amendment of legislative documents.
- 6 – Offering legal consultative opinion to the Government of the Islamic Emirate of Afghanistan about interpretation and description of laws.
- 7 – Expressing legal consultative opinion to the Council of Ministers and other Government departments.

....

* * * * *

Article 11:

The Legislative Institute shall carry out the following tasks in the field of academic legal guidance:

....

- 1 – Providing legal consultations to the relevant departments.
- 2 – Legal guidance for the purpose of correcting deficiencies and defects in relevant procedures and improvement of affairs.

....

* * * * *

ماده نهم:

ریاست تقنین در ساحة مطالعه و تحقیق قوانین و علوم حقوقی وظایف ذیل را انجام میدهد:

....

- ۳ – مطالعه در مورد مقرراتیکه قوانین خاص وضع آن را حکم نموده است و تأمین ارتباط با ادارات ذیعلاقه در آن مرود.
- ۴ – تأمین ارتباط با وزارت ها و سایر ادارات امارت راجع به فهم و تطبیق صحیح قوانین.
- ۵ – مطالعه پیشنهادات و نظریات راجع به مشکلات، خلاها و نواقص قانونی و اتخاذ تصمیم راجع به رفع آن به وسیله پیشنهاد طرح ضمایم، الغاء یا تعدیل اسناد تقنینی.
- ۶ – اعطای نظر مشورتی به امارت اسلامی افغانستان در مورد تفسیر و تشریح قوانین.
- ۷ – ابراز نظر مشورتی قانونی به شورای وزیران وسایر ادارات امارت.

....

* * * * *

ماده یازدهم:

ریاست تقنین در ساحة رهنمائی علمی حقوقی وظایف ذیل را انجام میدهد:

....

- ۱ – اعطای مشوره های حقوقی به ادارات مربوط.
- ۲ – رهنمائی حقوقی به منظرو رفع خلاها و نواقص در اجراءات مربوط و بهبود امور.

....

* * * * *

جلسه (۴)

تشخیص و شناختن افراد (ذیربط / ذینفع) و ارگانهای (ارگانهای
تطبيق کننده) دخیل در قانون مورد نظر

SESSION 4

**UNDERSTANDING THE PERSONS (STAKEHOLDERS) AND
AGENCIES (IMPLEMENTERS) INVOLVED IN THE
LEGISLATION**

Session 4. Understanding the persons (stakeholders) and agencies (implementers) involved in the legislation.

- (1) What persons are intended to be covered by the legislation?
- (2) What persons are intended to be excluded by the legislation?
- (3) Who is responsible for administering the provisions of the legislation?
- (4) Is a new official or agency needed to administer the legislation?
- (5) Does the administrator need additional powers or resources (including funding and personnel)?

جلسه ۴. تشخیص و شناختن افراد (ذیربط / ذینفع) و ارگانهای (ارگانهای تطبیق کننده) دخیل در قانون مورد نظر.

- (۱) مخاطبین این قانون کدام اشخاص میباشند؟
- (۲) کدام اشخاص شامل مخاطبین این قانون نمیشوند؟
- (۳) مسئول تطبیق احکام این قانون کیست؟
- (۴) آیا به یک مقام یا ارگان جدید نیاز است تا وظیفه تطبیق این قانون را بعهده گیرد؟
- (۵) آیا مرجع تطبیق کننده قانون به قدرت یا امکانات بیشتر نیاز دارد (بشمول کمکهای مالی و کارمندان)؟

Understanding the persons (stakeholders) and agencies (implementers) involved in the legislation.

- (a) Analyzing social problems by considering stakeholders and implementing agencies.
- (b) Analyzing stakeholder behavior using problem-solving techniques.
 - (1) What is a "stakeholder"?
 - (2) Who is involved (generally) in the problem? (This can include individuals, organizations, and Government agencies.)
 - (3) More specifically, what *persons* (individuals, organizations, governmental agencies) and what *behaviors* (actions or inactions / omissions) of these persons actually contribute to (or cause) the problem? In other words, who is contributing to (or causing) the problem? And what are they doing (or not doing) that is contributing to (or causing) the problem?
 - (4) Who is affected by the problem? In what way are these persons affected?
 - (5) What persons are intended to be covered (or excluded) by the legislation?
 - (6)
- (c) Analyzing implementing agency behavior using problem-solving techniques.
 - (1) What is an "implementing agency"?

تشخیص و شناختن افراد (ذیربط / ذینفع) و ارگانهای (ارگانهای تطبیق کننده) دخیل در قانون مورد.

- (أ) تحلیل و تجزیه مشکلات اجتماعی با در نظرداشت افراد ذینفع و ارگانهای تطبیق کننده.
- (ب) تحلیل سلوک افراد ذینفع با استفاده از شیوه های حل مشکلات.
 - (۱) فرد یا طرف ذینفع کیست؟
 - (۲) در مشکل موجوده (عموماً) کی ها دخیل اند؟ (ممکن است افراد، سازمانها، و ارگانهای دولتی در مشکل دخیل باشند.)
 - (۳) اگر مشخصاً بگوییم، کدام اشخاص (افراد، سازمانها، و ارگانهای دولتی) و چه نوع سلوک (انجام یا ترک عمل) این اشخاص در ایجاد مشکل سهم دارند (یا سبب) ایجاد آن شده اند؟ به عبارت دیگر، کی در ایجاد مشکل سهم دارد (یا سبب) ایجاد آن میشود؟ انجام یا ترک کدام کار سبب ایجاد مشکل میشود؟
 - (۴) از مشکل متذکره کی متضرر میشود؟ و این اشخاص از چه طریقی متضرر میشوند؟
 - (۵) مخاطبین قانون کدام اشخاص اند یا (کدام اشخاص از خطاب قانون مستثنی میباشند)؟
- (ت) تحلیل و ارزیابی سلوک ارگان تطبیق کننده با استفاده از روشهای حل مشکلات.
 - (۱) "ارگان تطبیق کننده" یعنی چه؟

- | | |
|--|---|
| <p>(2) Who will be responsible for administering the provisions of the legislation? What governmental agency or official, or private organization or person, is responsible for oversight of the persons that are involved in the problem (identified above)?</p> <p>(3) Is a new official or agency needed to administer the legislation? Is an existing agency appropriate to administer the legislation?</p> <p>(4) Does the administrator need additional powers, resources (such as funding), or personnel? If an existing agency is appropriate to administer the legislation, does the agency need expanded authority, resources (funding), or personnel?</p> | <p>(۲) چه کسی مسئول تطبیق احکام این قانون است؟ کدام ارگان یا مقام دولتی، سازمان و یا شخص مسئول نظارت از کسانیست که در مشکل دخیل اند (مشکلی که در بالا شناسایی گردید)؟</p> <p>(۳) آیا به یک مقام یا ارگان جدید نیاز است تا وظیفه تطبیق این قانون را بعهده گیرد؟ آیا ارگان فعلی شایستگی آنرا دارد که قانون را تطبیق نماید.</p> <p>(۴) آیا مرجع تطبیق کننده به قدرت، امکانات (مانند کمکهای مالی) یا کارمندان بیشتر نیاز دارد؟ اگر ارگان فعلی شایستگی تطبیق قانون را دراد، پس، آیا صلاحیت و امکانات یا کارمندان آن افزایش داده شود؟</p> |
|--|---|

جلسه (۵)

تحقیق و بررسی قانون موجوده،
بخاطر انطباق طرح قانون با سیاق قانون موجوده

SESSION 5

**RESEARCHING EXISTING LAW,
IN ORDER TO PUT DRAFT LEGISLATION INTO CONTEXT**

Session 5. Researching existing law, in order to put draft legislation into context.

- (1) Sources of law in Afghanistan: *Sharia*, the Constitution, international treaties, laws, regulations, etc.
- (2) Identifying conflicts between the draft legislation and existing law.
- (3) Using computers and the Internet.
- (4) Other advanced research techniques.

جلسه ۵. تحقیق و بررسی قانون موجوده، بخاطر انطباق این قانون با سیاق قانون موجوده.

- (۱) منابع قانون در افغانستان: شریعت، قانون اساسی، معاهدات، قوانین و مقررات بین المللی و غیره.
- (۲) تشخیص موارد تناقض مسوده جدید با قانون نافذ فعلی.
- (۳) سایر روشهای پیشرفته تحقیق و بررسی.
- (۴) سایر روشهای پیشرفته تحقیق و بررسی.

Researching existing law, in order to put draft legislation into context.

- (a) Existing law — research techniques and available resources.
 - (1) Electronic research: Computers and the Internet.
 - (2) Library (book) research.
 - (3) Other sources for research.
- (b) (Sources for existing law in Afghanistan.) A drafter should consider the following laws while drafting:
 - (1) Islamic *Sharia*.
 - (2) The Constitution.
 - (3) International treaties, conventions, and agreements.
 - (4) Afghan laws.
 - (5) Afghan regulations.
 - (6) Customary law.
 - (7) Other Afghan law.
- (c) Identifying conflicts between the legislation and existing law.

— How to identify significant differences between draft legislation and existing Afghan law.

تحقیق / مطالعه و بررسی قانون موجوده، بخاطر انطباق سیاق طرح قانون با سیاق آن.

- (أ) قانون فعلی — روش های تحقیق / مطالعه و منابع موجوده.
 - (۱) تحقیق الکترونیکی.
 - (۲) تحقیق در کتابخانه (کتاب).
 - (۳) منابع دیگر تحقیق.
- (ب) قانونگذار حین تسوید، قوانین آتی را در نظر بگیرد.
 - (۱) شریعت اسلامی.
 - (۲) قانون اساسی.
 - (۳) معاهدات، موافقت، و قرارداد های بین المللی.
 - (۴) قوانین افغانستان.
 - (۵) مقررات افغانستان.
 - (۶) حقوق تعاملی.
 - (۷) سایر قوانین افغانستان.
- (ت) تشخیص و شناسایی موارد تناقض میان طرح پیشنهادی و قانون نافذ.

— چطور میتوان موارد مهم اختلاف میان طرح پیشنهادی و قانون نافذ فعلی افغانستان را شناسایی نمود.

Questions for Discussion:	سوالات مورد بحث
(1) What are the current processes for research of existing law related to a draft you are working on?	(۱) پروسه های تحقیق / ریسرچ قوانین نافذه مربوط به قانونیکه تسوید میشود، چه است؟
(2) Do you do the research yourself? Where? Does someone else do it for you? What are the processes or procedures? How long does it take?	(۲) آیا خود شما تحقیق / ریسرچ را انجام می دهید؟ در کجا؟ یا کسی دیگر این کار برای شما انجام می دهد؟ پروسه ها و طرزالعملها چطور است؟ چقدر وقت را در بر می گیرد؟
(3) What are the advantages of researching existing law oneself?	(۳) فوائد تحقیق/ریسرچ قوانین نافذه برای یک شخص چه است؟
(4) What printed resources are available?	(۴) کدام منابع چاپی (کتابها قوانین) در اختیار است؟
(5) What electronic resources are available for Afghan law?	(۵) کدام منابع الکترونیکی برای قوانین افغانستان موجود است؟
(6) What electronic (Internet) resources are available for researching foreign law (for example, laws of other Islamic nations)?	(۶) کدام منابع الکترونیکی (انترنیت) برای تحقیق / ریسرچ قوانین خارجی موجود است (مانند، قوانین کشورهای دیگر اسلامی)؟
(7) How do you use electronic resources? How does using electronic resources make things easier?	(۷) چه نوع شما از منابع الکترونیکی استفاده میکنید؟ چطور منابع الکترونیکی میتواند کارها را آسانتر بسازد؟
(8) Do you keep track of and store (archive) your research results? By what method? What are the advantages of reusing research?	(۸) آیا شما نتایج تحقیق / ریسرچ تانرا نگهداری (ارشیف) میکنید؟ توسط کدام میتود؟ استفاده دوباره از تحقیق / ریسرچ چه فایده دارد؟

جلسه (۶)

تعدیلات و الغاءات:
هنگام تناقض مسوده جدید با قانون نافذ فعلی چه باید کرد

SESSION 6

**AMENDMENTS AND REPEALS:
WHAT TO DO WHEN DRAFT LEGISLATION CONFLICTS
WITH EXISTING LAW**

Session 6. Amendments and repeals: What to do when draft legislation conflicts with existing law.

- (1) Amendment of existing law to achieve purposes of the legislation.
- (2) Explicit repeal of provisions of existing law that are inconsistent with the legislation.
- (3) Implicit repeal of inconsistent provisions of existing law. (This is not recommended, but should be discussed, including the pros and cons of such "blanket" repeals. This also involves a discussion of statutory interpretation.)

جلسه ۶. تعديلات و الغاءات: هنگام تناقض مسوده جديد با قانون نافذ فعلي چه بايد کرد.

- (۱) تعديل در قانون نافذ فعلي جهت تحقق هدف قانون پيشنهادهي.
- (۲) بطور آشکار و صريح الغای آنده از احکام قانون نافذ که در تناقض با قانون پيشنهادهي قرار دارد.
- (۳) لغو تلويحي احکام متناقض قانون فعلي. (به همچو عملي توصيه نميشود، اما بايد مورد بحث قرار گيرد، بشمول فوايد و نواقص همچو الغاءات تلويحي. اين امر شامل بحث در مورد تفسير قوانين نيز ميشود.)

Amendments and repeals: What to do when draft legislation conflicts with existing law.

(a) Amendment terminology in most places:

- (1) "Amendment" means changing a law in any way (other than by repealing the entire law), including any or all of the following:

- 1- Changing or replacing text of particular provisions or of the entire law.
- 2- Adding or inserting new text anywhere within the law,
- 3- "Striking" text within a provision.
- 4- Repeal of one or more entire provisions (but not all provisions) within a law.

- (2) "Repeal" means any of the following:

- 1- "Striking" (or removing) specific text within a provision.
- 2- Removal of one or more entire provisions within a law (also called "partial repeal").
- 3- Ceasing the effectiveness of the entire law (also called "complete repeal").

(b) Amendment terminology in Afghanistan:

- (1) "Amendment" means changing the language of a particular provision.

تعديلات و الغاءات: در صورتیکه طرح قانون با قانون نافذه فعلي در تناقض باشد، چه بايد کرد.

(أ) اصطلاح تعديل در ساير اماکن:

- (۱) "تعديل" به معنای تغيير در قانون به

نحوی از انحاء (غير از الغای کل قانون)، میباید که شامل امور یکی یا تمام تمام امور ذیل شده میتواند:

- ۱- تغيير دادن یا جایگزین کردن یک ماده مشخص یا تمام قانون.

- ۲- ایزاد یا إدخال متن جدید در جایی از جاهای قانون.

- ۳- حذف و یا خط زدن متن در داخل یکی از مواد قانون.

- ۴- الغای یک یا بیشتر از یک حکم یا ماده (اما نه تمام مواد) قانون.

- (۲) "الغاء" یکی از معانی ذیل را افاده میکند:

- ۱- "خط زدن" (یا از میان برداشتن) یک متن مشخص در داخل ماده.

- ۲- از میان برداشتن یک یا بیشتر از یک ماده در داخل قانون (که بنام "لغو جزئی" نیز یاد میشود).

- ۳- موقوف کردن نفاذ تمام قانون (بنام "لغو کامل" نیز یاد میشود).

(ب) اصطلاح تعديل در افغانستان:

- (۱) "تعديل" به معنای تغيير دادن متن

یک ماده بخصوص می باشد.

(2)	"Addition" means adding or inserting a provision into a law.	(۲) "ایزاد" به معنای اضافه کردن یا إدخال یک حکم یا ماده در قانون است.
(3)	"Omission" means the repeal of a particular provision.	(۳) "حذف" بمعنای الغای یک حکم یا ماده بخصوص قانون است.
(4)	"Completion" means ???	(۴) "تکمیل" بمعنای ???
(5)	"Repeal" means the complete repeal of an entire law.	(۵) "الغاء" بمعنای لغو تمام قانون میباشد.
(c)	Amendment of existing law to achieve purposes of the legislation.	(ت) قانون نافذه غرض رسیدن به اهداف قانون پیشنهادی.
(1)	When to use amendments.	(۱) چه وقت تعدیل صورت گیرد.
(2)	Amendments compared to complete replacement (repeals) of existing law.	(۲) تعدیلات در مقایسه با جایگزینی کامل (الغاءات) در قانون نافذه.
(3)	Methods of amendment.	(۳) روش های ایجاد تعدیل.
(d)	Explicit repeal of provisions of existing law that are inconsistent with the legislation.	(ث) الغای آشکار و صریح آنعده از احکام قانون نافذ که در تناقض با مفاد طرح قانون جدید قرار دارد.
(1)	When to use replacement (or repeal) of existing law.	(۱) چه وقت جایگزینی (یا لغو) در قانون نافذه صورت گیرد.
(2)	Methods of repeal.	(۲) روش های لغو کردن.
(e)	Implicit repeal of inconsistent provisions of existing law.	(ج) لغو ضمنی احکام متناقض قانون فعلی.
(1)	This is not recommended, but we will discuss the pros and cons of "blanket" repeals.	(۱) به همچو عملی توصیه نمیشود، اما فواید و نواقص همچو الغاءات ضمنی باید مورد بحث قرار گیرد.
(2)	This also involves a discussion of statutory interpretation.	(۲) این امر شامل بحث در مورد تفسیر قوانین نیز میشود.

Amendment Format Options:

There are several methods to indicate amendments to existing law.

1. A provision can be amended by restating the provision, either (a) by amending the provision "to read as follows:" or (b) by striking the entire provision and reinserting it with changes.

2. A provision can be amended by striking and inserting specific text.

3. A provision can be amended by showing the changes made to existing law.

The provision being amended must be accurately and completely identified.

Amendment by Restatement:

By this method, the Act, section, or other provision is "amended to read as follows: " with the changes incorporated into the text without specific identification of what they are.

Examples:

The following two examples have the same effect:

Example 1:

Article 123 of the _____ Act is amended to read as follows:

"Article 123.

"Heading.

"New text of article."

Example 2:

The _____ Act is amended by striking article 123 and inserting the following:

"Article 123.

"Heading.

"New text of article."

شیوه های صورت بندی تعدیل:

شیوه های متعددی وجود دارد که به تعدیل قانون نافذ اشاره می نماید.

۱. يك حكم ممكن است كه با بيان مجدد حكم يا از طريق (الف) تعدیل حكم "به طریق ذیل خوانده شود:" يا از طریق (ب) با حذف تمام حكم و درج دوباره آن با تغییرات صورت گیرد.

۲. يك حكم ممكن است كه با حذف و درج متن جدید خاص صورت گیرد.

۳. يك حكم ممكن است كه با نشان دادن تغییرات وارده در قانون نافذ صورت گیرد.

حکمی که تعدیل شده است باید به شکل دقیق و کامل واضح گردد.

تعدیل با بیان مجدد:

با استفاده از این شیوه، قانون، بخش، یا حکم دیگر "تعدیل صورت می گردد که به طریق ذیل خوانده شود: " البته با تغییرات مندرجه در متن بدون اشاره مشخص که این تغییرات چه می باشند.

مثال ها:

مثال های آتی مفاهیم فوق را افاده می نماید:

مثال ۱:

ماده ۱۲۳ _____ قانون تعدیل می گردد که به طریق ذیل خوانده شود:

«ماده ۱۲۳.

«عنوان.

«متن جدید ماده.»

مثال ۲:

قانون با حذف ماده ۱۲۳ _____ و درج موارد آتی تعدیل می گردد:

«ماده ۱۲۳.

«عنوان.

«متن جدید ماده.»

Amendment by Striking and Inserting Specific Text:

By this method, the amendment is achieved by specific language striking text, inserting text, or both. It is done, for example, by stating that X is “amended by striking ‘Y’ and inserting ‘Z’ ”.

New material is “inserted” within the text of a subdivision and is “added” at the end of the subdivision.

Examples:

Striking specific text:

Article __, paragraph __, of the _____ Act is amended by striking “_____”.

Striking and replacing specific text:

Article __, paragraph __, of the _____ Act is amended by striking “_____” and inserting “_____”.

Adding a new provision (at the end):

Article __ of the _____ Act is amended by adding at the end the following [new paragraph]:

Striking a provision (at the end):

Article __ of the _____ Act is amended by striking paragraph ____.

Multiple amendments of same provision:

Article 123 of the ABC Act is amended—

(1) in paragraph (3), by striking “_____”;

(2) in paragraph (5), by striking “_____” and inserting “_____”;

(3) in paragraph (7), by inserting “_____” after “_____”;

(4) in paragraph (9), by striking the second sentence;

(5) in paragraph (11), by striking

تعدیل با حذف و درج متن جدید:

با استفاده از این شیوه، تعدیل با حذف زبان خاص متن، درج متن، یا با هر دو صورت، صورت می گیرد. به طور مثال، چنین توضیح داده می شود که X «با حذف (Y) و درج (Z) تعدیل می گردد».

مواد جدیدی در یک متن بخش فرعی «درج» می شود و در ختم بخش فرعی «علاوه» می گردد.

مثال ها:

حذف متن خاص:

ماده _____، فقره _____، از _____ قانون با حذف «_____» تعدیل می گردد.

حذف و درج متن خاص:

ماده _____، فقره _____، از _____ قانون با حذف «_____» و درج «_____» تعدیل می گردد.

ایجاد یک حکم جدید (در آخر):

ماده _____ از _____ قانون با افزودن در ختم مورد ذیل [فقره جدید]: ... تعدیل می گردد.

حذف یک حکم (در آخر):

ماده _____ از _____ قانون با حذف فقره _____ تعدیل می گردد.

تعدیلات متعدد حکم واحد:

ماده ۱۲۳ قانون الف ب ت تعدیل شده است / می گردد—

(۱) در فقره (۳)، با حذف «_____»؛

(۲) در فقره (۵)، با حذف «_____» و درج «_____»؛

(۳) در فقره (۷)، با درج «_____» بعد از «_____»؛

(۴) در فقره (۹)، با حذف جمله دوم؛

(۵) در فقره (۱۱)، با حذف «_____»

“_____” and all that follows through
 “_____”;
 (6) in paragraph (14), by striking
 “_____” and all that follows through
 “_____” and inserting “_____”;
 (7) by striking paragraph (16) and
 redesignating paragraph (17) as paragraph
 (16); and
 (8) by adding at the end the following
 [new paragraph]:
 “(17)”

وتمام موارد آتي الي «_____»؛
 (٦) در فقره (١٤)، با حذف «_____»
 وتمام موارد آتي انهنائيكه الي «_____» تعقيب
 مي نمايد ودرج «_____»؛
 (٧) با حذف فقره (١٦) و انتخاب فقره (١٧)
 به حيث فقره (١٦)؛ و
 (٨) با ايزاد در ختم ذيل [فقره جديد]:
 «(١٧)»

Amendment by Showing the Changes to Existing Law:

Another method is to show the existing provision with the deletions and insertions proposed by the legislation shown in different typefaces.

A common way to show the changes to existing law is to show deleted material by ~~striking~~ (or placing the stricken material between brackets "[...]") and to show inserted material by underlining.

Examples:

Alternative 1 (strike-thru and underlining):

Article 25.

Amendment of Effective Date

Article 123 of the _____ Act is amended as follows:

Article 123.

Effective Date

This Act takes effect ~~60 days after the date of its enactment~~ on January 1, 2007.

Alternative 2 (brackets and underlining):

Article 25.

Amendment of Effective Date

Article 123 of the _____ Act is amended as follows:

Article 123.

Effective Date

This Act takes effect [60 days after the date of enactment of this Act] on January 1, 2007.

تعدیل با نشان دادن تغییرات در قانون نافذ:

شیوه دیگر حکم جدید را با حذفها و درج ها که توسط قانون پیشنهاد شده است که در سبک حروف مختلف نشان داده شده است، نشان میدهد.

یک شیوه عمومی که تغییرات را در قانون نافذ نشان میدهد نشان دادن مواد شده توسط ~~حذف~~ (یا با جادادن مواد سترایک در بین پرانتز «[...]» و مواد مندرجه را با ترکیز بالای کلمه (کشیدن خط به زیر کلمه) نشان داده شود.

مثال ها:

بدیل ۱ (حذف سراسری و ترکیز):

ماده ۲۵.

تعدیل تاریخ انفاذ

ماده ۱۲۳ _____ قانون به طریق ذیل تعدیل می گردد:

ماده ۱۲۳.

تاریخ انفاذ

این قانون ~~۶۰ روز بعد از تاریخ تصویب آن~~ از تاریخ ۱ حمل ۱۳۸۶ نافذ میگردد.

بدیل ۲ (پرانتیز و ترکیز):

ماده ۲۵.

تعدیل تاریخ انفاذ

ماده ۱۲۳ _____ قانون به طریق ذیل تعدیل میگردد:

ماده ۱۲۳.

تاریخ انفاذ"

این قانون [۶۰ روز بعد از تاریخ تصویب این قانون] از تاریخ ۱ حمل ۱۳۸۶ نافذ میگردد.

جلسه (۷)

تفسیر قوانین در افغانستان و ایالات متحده امریکا

SESSION 7

STATUTORY INTERPRETATION
IN AFGHANISTAN AND THE UNITED STATES

Session 7. Statutory interpretation in Afghanistan and the United States.

- (1) How is legislation (in general, not a specific draft) interpreted in Afghanistan?
- (2) Who does the interpretation? (First, the implementer of the law. Then, if there is a challenge to a provision, the courts.)
- (3) What improvements could be made to aid in statutory interpretation in Afghanistan? (Perhaps a "law on the interpretation of laws", such as is often enacted in other nations.)

جلسه ۷. تفسیر قوانین در افغانستان و ایالات متحده امریکا.

- (۱) قوانین (بطور عموم، نه کدام مسوده خاص) در افغانستان چگونه تفسیر میشوند؟
- (۲) کی تفسیر میکند؟ (اول، تطبیق کننده قانون. سپس، اگر قانون به چالش گرفته شده باشد، محاکم.)
- (۳) جهت کمک به تفسیر قوانین در افغانستان، کدام نوع بهبود و اصلاحات را میتوان بمیان آورد؟ (ممکن است قانونی تحت عنوان "قانون تفسیر قوانین" وضع گردد؛ که این کار در کشورهای دیگر نیز صورت گرفته است.)

Statutory interpretation in Afghanistan and the United States.

- (a) How is legislation interpreted in other countries?
 - (1) Newer legislation supersedes existing legislation.
 - (2) Hierarchy of laws: (1) The Constitution, (2) international law, (3) laws (statutes) enacted or approved by a legislative body, (4) regulations enacted by an executive official or agency, (5) court or agency rules or procedures, (6) internal agency rules or procedures.
 - (3) More specific legislation supersedes general legislation on the same subject matter.
 - (4) The same terms (words or phrases) have the same meaning.
 - (5) Different terms (words or phrases) have different meanings.
 - (6) A law should be construed to that none of the terms are redundant.
 - (7) A law should be read to avoid internal inconsistencies.
 - (8) Words are to be given their common meaning, unless they are technical terms or terms of art.

تفسیر قوانین در افغانستان و ایالات متحده امریکا.

- (أ) قانون در کشورهای دیگر چگونه تفسیر میشود؟
 - (۱) قانون جدید قانون موجوده را لغو میکند.
 - (۲) سلسله مراتب قوانین: (۱) قانون اساسی، (۲) قانون بین المللی، (۳) قوانینی که از طرف قوه مقننه وضع و یا تصویب میشود، (۴) مقرراتیکه توسط یک مقام یا ارگان مجریه وضع و یا تصویب میشود، (۵) اصول یا طرز العمل های محاکم یا ادارات، (۶) اصول یا طرز العمل های داخلی ادارات.
 - (۳) قوانین مشخص جایگزین قانون عام در عین موضوع میگردد.
 - (۴) عین اصطلاح (کلمات یا عبارات) دارای عین مفهوم میباشد.
 - (۵) اصطلاحات مختلف (کلمات یا عبارات) دارای مفاهیم مختلف میباشد.
 - (۶) یک قانون باید طوری تفسیر شود که هیچ اصطلاح / کلمه آن اغماض نشود.
 - (۷) قانون باید طوری تفسیر شود که از تناقضات داخلی جلوگیری شود.
 - (۸) از کلمات باید معنی عام آن برداشت شود، مگر اینکه کلمات تخنیکی یا فنی باشد.

- (ب) قوانین (بطور عموم - نه کدام مسوده خاص) در افغانستان چطور تفسیر میشوند؟
- (۱) کدام مرجع قوانین را تفسیر میکند؟ (اولاً، مرجع تطبیق کننده قانون. سپس اگر علیه احکام قانون اعتراضی وجود داشته باشد، از طرف محاکم صورت میگیرد.)
- (۲) معیارها و اصول تفسیر قوانین کدامها اند؟ این معاییر و اصول در مقایسه با اصول و معاییری که در کشورهای دیگر مورد استفاده است، در کدام موقعیتی قرار دارند؟
- (ت) جهت کمک به تفسیر قوانین در افغانستان، کدام نوع بهبود و اصلاحات را میتوان بمیان آورد؟ (ممکن است قانونی تحت عنوان "قانون تفسیر قوانین" وضع گردد؛ این کار در کشورهای دیگر نیز صورت گرفته است. همچو قانونی میتواند شامل امور ذیل گردد:)
- (۱) جایگاه قوانین موجوده.
- (۲) تفسیر قوانین جدید در سیاق قوانین موجوده.
- (۳) تفسیر اصطلاحات مشخصیکه در بسیاری از قوانین یا مقررات بکار برده شده است. (بعنوان مثال، "شخص"، به صیغه مفرد شامل جمع میشود. اصطلاح "او" شامل زن و مرد میشود، وغیره.)
- (b) How is legislation (in general – not a specific draft) interpreted in Afghanistan?
- (1) Who does the interpretation? (First, the implementer of the law. Then, if there is a challenge to a provision, the courts.)
- (2) What are the standards or rules for interpretation? How do these compare with the standards or rules used in other countries?
- (c) What improvements could be made to aid in statutory interpretation in Afghanistan? (Perhaps a "law on the interpretation of laws", such as is often enacted in other nations. Such a law should probably include the following:)
- (1) Status of existing law.
- (2) Interpretation of new laws in context of existing law.
- (3) Interpretation of specific terms that are used in many (or most) laws or regulations. (For example, "person", singular including the plural, gender-specific terms (he / she) including both genders, etc.)

Questions for Discussion:

1. Many countries have a law that governs the interpretation of laws. Would Afghanistan (and you, as drafters) benefit from such a law here? What might the law say?
2. What are the sources of law in Afghanistan? What is the hierarchy of law?
3. Are there any specific rules for interpreting statutes in Afghanistan?
4. What are the standards for interpreting statutes?
5. Are there any terms of universal application? (For example, person, corporation, Government, the State, etc.)
6. What is the method for challenging validity of a law. Who determines validity?
7. What are the standards for the invalidity of a statute (or any provision of it)?
8. Is there an automatic saving of any provision (or part of a provision) that is not invalid?
9. How are effective dates interpreted? (The "default" rule is stated in article 9 of the Law on the Publishing and Enforcement of Legislative Documents in the Islamic Emirate of Afghanistan (Official Gazette 787 (1999).)
10. If there is inconsistency in the two official versions of a law (Dari and Pashto), which version governs? What is the effect of publication in a nonofficial language?
11. If there are errors or mistakes in a law, how should they be fixed?

سوال های مورد بحث:

۱. بسیاری از کشورها دارای قانونی می باشند که بر تفسیر قوانین نظارت می نماید. آیا افغانستان (و شما به حیث مسودین) نیز از چنین قانونی استفاده می نمایید؟ قانون درین مورد چه خواهد گفت؟
۲. منابع قانون در افغانستان کدام ها اند. سلسله مراتب قانون چگونه است؟
۳. آیا قواعد مشخص جهت تفسیر قوانین در افغانستان وجود دارد؟
۴. معیار های تفسیر قوانین کدام ها اند؟
۵. آیا کدام اصطلاحی که تطبیق جهانی داشته باشد وجود دارد؟ (بطور مثال، شخص، شرکت سهامی، حکومت، دولت، و غیره.)
۶. روش اعتراض به اعتبار وصحت قانون کدام است؟ کی درمورد اعتبار و صحت یک قانون تصمیم می گیرد؟
۷. معیار ها برای عدم صحت و اعتبار یک قانون (یا یک حکم از قانون) کدام ها اند؟
۸. آیا طریقه برای ثبت اتوماتیک احکام (یابخشی از احکام) که صحیح و معتبر نباشد وجود دارد؟
۹. تاریخ های انفاذ چگونه تفسیر می شوند؟ (قاعده "دیفالت" در ماده ۹ قانون طرز نشر و انفاذ اسناد تقنینی در امارت اسلامی افغانستان (جریده رسمی ۷۸۷ (۱۹۹۹)) توضیح داده شده است.)
۱۰. در صورتیکه میان نسخه های دو زبان رسمی (دري و پشتو) هماهنگی وجود نداشته باشد، کدام یکی از آنها مورد اعتبار قرار می گیرد؟ اگر قانون به زبان غیر رسمی به چاپ برسد چه تأثیری خواهد داشت؟
۱۱. اگر در قانون خطا ها و اشتباهات وجود داشته باشد، چگونه میتوان آنرا تصحیح کرد؟

General Principles of Statutory Interpretation:

1. When interpreting a law, always begin with its text. As a famous American Judge said: "Read the statute. Read the statute. Read the statute."
2. A legislative provision speaks as of any date on which it is read (rather than as of when drafted, enacted, or put into effect).
3. A thing may be within the letter of the law and yet not within the law, because it is not within the spirit of the law, nor within the intention of the law's makers.
4. Repeals by implication are not favored.
5. Words and phrases that have received judicial construction before enactment are to be understood according to that construction. (This is because the lawmaker is presumed to know how those words and phrases have been interpreted in the past.)
6. A statute should be construed so that none of its terms are redundant. Every word in a law is presumed to have a purpose and meaning.
7. A statute should be read to avoid internal inconsistencies.
8. Internal consistency. A law should be interpreted in a way that ensures that it is internally consistent. Thus, a particular provision may not be divorced from the rest of the law.
9. Consistency with other laws. A law should not be interpreted in a way that is inconsistent with other laws. If there is an inconsistency, a court should attempt to provide a harmonious interpretation.
10. Words are to be given their common meaning, unless they are technical terms or terms of art. (Compare this rule with article 39, paragraph (2), of the Regulation Governing the Procedure for Preparing and Proposing

پرنسیپ های عمومی تفسیر قانون:

۱. هنگام تفسیر يك قانون، همیشه از متن آن آغاز نمائید. طوریکه يك قاضي مشهور امريكائي مي گوید: "قانون را بخوان. قانون را بخوان. قانون را بخوان."
۲. يك حكم قانوني پيام اصلی خویش را از تاريخيکه تفسیر ميگردد انتقال ميدهد (نه از تاريخ تسويد، يا اين که در مرحله اجرا قرار داده شده باشد).
۳. يك چیز ممکن است که در متن ظاهري قانون بوده باشد ولي ممکن است که جزء محتوي قانون نباشد، به خاطریکه آن نه مطابق به روح قانون مي باشد و نه در قصد قانون گذار.
۴. لغو به طريق ضمني قابل ترجيح نيست.
۵. کلمات واصطلاحاتيکه قبل از تصويب تفسیر قضائي شده اند مطابق بان تفسیر فهميده مي شوند. (اين به خاطري است که از قانون گذار توقع برده مي شود که آنها مي دانند که اين کلمات يا اصطلاحات در گذشته چگونه تفسیر شده اند.)
۶. يك قانون قسمي تفسیر شود که هيچ يك از اصطلاح آن حشو و اضافي نباشد. از هر کلمه در قانون توقع برده مي شود داراي معني ومقصد بوده باشد.
۷. قانون قسمي تعبير شود که از تناقضات داخلي جلو گيري به عمل آيد.
۸. تناقضات داخلي. يك قانون قسمي تفسیر شود که اطمینان حاصل شود که قانون در داخل تناقض ندارد. بنابراین نبايد يك حكم خاص را بدون در نظر داشت باقي مانده قانون کشف نمود.
۹. مطابقت با ديگر قوانين. قانون قسم تفسیر نشود که با ديگر قوانين در تناقض باشد. در صورتيکه کدام تناقض وجود داشته باشد، محکمه بايد يك تفسیر سازگار را در مورد ارايه دهد.
۱۰. بايد از کلمات معاني عام آن را برداشت کرد، مگر در صورتيکه آنها کلمات تخنيكي ياهنري بوده باشد. (اين قاعده را با ماده ۳۹، فقره (۲)، مقررہ طرز العمل تهيه وپيشنهاده اسناد تقنيني (جريده رسمي ۷۸۷

Legislative Documents (Official Gazette 787 (1999)).	(۱۹۹۹) مقایسه نماید.)
11. Titles (and headings) do not control the meaning of a provision, but may be used as a guide when a provision is ambiguous.	۱۱. عناوین معنی یک حکم را کنترل نمی نماید، بلکه به حیث یک راهنما وقتیکه یک حکم مبهم بوده باشد استفاده می شود.
12. If one word in a group of words is ambiguous or inherently unclear, that word should be given a meaning of the "same kind" as the word of established meaning.	۱۲. در صورتیکه یک کلمه در جمع از کلمات مبهم بوده باشد، یا اینکه اصلاً واضح نباشد، به آن کلمه باید معنی "عین دیگر کلمات" که دارای معنی مورد نظر هستند داده شود که در (لاتین سوچینرس) گفته می شود.
13. When general words follow particular words, the general words are to be limited to the class of things indicated by the particular words. (For example, in the phrase "trains, planes, automobiles, and other vehicles", does "other vehicles" include bicycles or only motorized vehicles?)	۱۳. در صورتیکه کلمات عام یک کلمه خاص را تعقیب نماید، کلمات عام را باید به صنف از اشیا نیکه توسط کلمه خاص اشاره شده است محدود کرد. (به طور مثال، در اصطلاح "ریل ها، طیاره ها، موتر های خود رو، و دیگر وسائط"، آیا "دیگر وسائط" بایسکل را شامل می گردد و یا اینکه صرف شامل وسائط رانندگی می باشد؟)
14. Expression of one thing means exclusion of another. Explicit exceptions are deemed exclusive. When given a list of things, other things not on the list are excluded. This rule assumes that the lawmaker intentionally specified one set of criteria as opposed to the other. Therefore, if the issue to be decided addresses an item not specifically named in the law, it must be assumed the law does not apply in that case. (For example, if a law prohibits discrimination on the basis of "race, ethnicity, national origin, or religion", discrimination on the basis of gender is <u>not</u> also prohibited.)	۱۴. ابراز و اظهار یک چیز به معنی استثناء و اخراج چیزی دیگر می باشد. استثناءات صریحی به معنی انحصار یک چیز می باشد. وقتیکه لست از اشیا را داده شود این قصداً به معنی اخراج اشیا ئی است که شامل لست نمی باشد. این قاعده چنین پیشبینی می نماید که قانون گذار قصداً یک دسته از معیارها را در تفاوت در دیگر دسته تشخیص نموده است. بناءً اگر بالایی مسئله که بالایی آن تصمیم گرفته شود، یک موضوع را مورد خطاب قرار دهد که در قانون به شکل خاص از آن نام برده نشده است، این باید چنین گمان برده شود که قانون در آن مورد تطبیق نمی گردد. (به طور مثال، اگر قانونی تبعیض را به اساس "نژاد، ملیت، تابعیت اصلی، یا مذهب"، منع قرار داده باشد، تبعیض به اساس جنسیت منع قرار نمی گیرد.)
15. This maxim is established in international law and has been followed in the interpretation of treaties by international tribunals in a number of cases.	۱۵. این قاعده کلی در تفسیر قانون بین المللی ثابت بوده و در تفسیر معاهدات توسط محاکم بین المللی در قضایای زیادی نیز بکار برده شده است.
16. A specific law overrides (or supersedes) a general law on the same subject	۱۶. یک قانون خاص جانشین قانون عام در همان موضوع خاص می گردد.

- matter.
17. The meaning of questionable or doubtful words or phrases in a statute may be ascertained by reference to the meaning of other words or phrases associated with it.
 18. Illustrative versus exhaustive lists. A list in a law may be comprehensive or merely illustrate principles. (Compare the phrase "[all of] the following [listed items]" with "one or more of the following [listed items]").
 19. Laws that relate to the same subject matter should be construed together. So to determine the meaning of particular law, one should consider other laws on the same subject matter. The idea is that a set of related laws will be the complete legal authority on a particular subject. It is the job of the interpreter (usually a court) to bring a contextual harmonization among the various related laws.
 20. Remedial laws (that provide a remedy for some wrong) should be read broadly.
 21. Rule of Lenity. Criminal laws should be narrowly construed. If there is ambiguity, the law should be read in favor of leniency. This is so that citizens will have reasonable notice of the crime and the punishment.
 22. Primary legislation (a law) supersedes delegated legislation (a regulation).
 23. A later law supersedes (overrides) an earlier law on the same subject, but only to the extent that they are inconsistent. This applies to laws of equal constitutional weight.
 24. A law should not be interpreted to violate fundamental societal values.
 25. A national law should not be construed in a way that conflicts with international law.
۱۷. معني كلمات قابل سوال يا مشکوک يا اصطلاح دريک قانون ممکن است که با مراجعه به کلمه يا اصطلاح مشابه با ن تعيين گردد.
 ۱۸. لست هاي توضيحي درمقابل لست هاي جامع. يک لست درقانون ممکن است جامع باشد يا صرف پرنسيپ ها را توضيح دهد. (اصطلاح " (تمام) اشياء ذيل (اشياء لست شده)" را با "يک ياتمام اشيائي (اشياء لست شده)" مقايسه نماييد).
 ۱۹. قوانينيکه با عين يک موضوع مرتبط باشند بايد يکجا تفسير شوند. به خاطر تعيين معني يک قانون خاص، شخص بايد ديگر قوانين رادرعين موضوع درنظر بگيرد. هدف اين است که يک دسته از قوانين مرتبط به حيث يک اعتبار مکمل حقوقي دريک موضوع خاص به حساب مي رود. اين وظيفه مفسر است (معمولا محکمه) که يک سازگاري مفهومي را درمورد قوانين مرتبط ارايه دهد.
 ۲۰. قوانين چاره ساز (که براي بعض خطاها چاره اي تهيه مي نمايد) بايد به طور وسيع تعبير گردند.
 ۲۱. قاعده ترحم ورافت. قوانين جزائي بايد به دقت تعبير گردند. درصورتيکه درقانون ابهام بوده باشد، قانون قسمي تعبير گردد که جانب ملايمت وترحم رابگيرد. به اين اساس اتباع ملاحظه مناسب درمورد جرم ومجازات خواهند داشت.
 ۲۲. قانون جانشين مقررره مي گردد.
 ۲۳. قانون مؤخر جانشين قانون قبلي درعين موضوع تاهمان اندازه ايکه درميان شان تناقض وجوددارد، مي گردد. اين درقوانين تطبيق مي گردد که درپيشگاه قانون وزن مساوي داشته باشد.
 ۲۴. قانون قسم تفسير نشود که به ارزش هاي اساسي اجتماعي صدمه وارد نمايد.
 ۲۵. قانون ملي قسم تفسير گردد با قانون بين المللي درتناقض واقع نشود.

جلسه (۸)

کاربرد شروط یا مقتضیات، اختیارات و ممنوعیت ها
سه وسیله عمده زبانی در قانونگذاری

SESSION 8

**USE OF REQUIREMENTS,
AUTHORIZATIONS, AND PROHIBITIONS:
THE 3 MAIN LINGUISTIC TOOLS OF LEGISLATION**

Session 8. Use of requirements, authorizations, and prohibitions: The 3 main linguistic tools of legislation.

- (1) Requiring certain behavior, which may include providing incentives or disincentives for the behavior or imposing sanctions for violations or omissions ("shall").
- (2) Authorizing or permitting certain behavior, which may include providing incentives or disincentives for the behavior ("may").
- (3) Prohibiting certain behavior and imposing sanctions for violations ("may not" and "shall not").

جلسه ۸. کاربرد شروط/مقتضیات، اختیارات و ممنوعیت ها: سه اصل عمدهٔ زبانی در قانونگذاری.

- (۱) مطالبهٔ سلوک مشخص، که میتواند شامل فراهم ساختن مشوق ها یا امور بازدارنده و منع کننده برای رفتار یا وضع مجازات بخاطر تخلف یا ترک فعل ("باید").
- (۲) اختیار دادن یا مجاز دانستن سلوک مشخص، که میتواند شامل فراهم ساختن مشوق ها یا مخوفات یعنی امور بازدارنده و منع کننده برای سلوک باشد ("میتوان").
- (۳) منع سلوک مشخص و وضع مجازات در صورت تخلفات ("نمیتوان" و "نباید").

The 3 main (linguistic) tools of legislation.

(a) Requiring certain behavior, which may include providing incentives or disincentives for the behavior or imposing sanctions for violations or omissions ("shall").

- (1) For directing that action be taken, use "shall" (rather than "authorized and directed" or "must").
- (2) Provisions of law very often require a person to act (or not act) in a certain way. In order to be effective, these types of requirement provisions also need to have a means to ensure that the required behavior is actually carried out.
- (3) This can be done by enforcement (that is, criminalizing or sanctioning violations of the requirement).
- (4) But another, often better means is to encourage the desired (required) behavior by providing for some type of incentive or benefit for carrying out the desired (required) behavior.
- (5) A similar means is to provide a disincentive for not carrying out the required behavior (but not by criminalization or sanction).

(b) Authorizing or permitting certain behavior ("may").

- (1) Granting permission to do (or not to do) something is another main tool of legislation.

سه وسیله عمده زبانی در قانونگذاری.

(ث) مطالبهٔ سلوک مشخص، که این کار شامل مشوق ها یا مخوف ها برای انجام همچو سلوک یا وضع مجازات در صورت تخلف یا ترک این سلوک، میباشد ("باید").

- (۱) برای امر به انجام عملی از "باید" استفاده شود.
- (۲) احکام قانون اکثراً اشخاص را به انجام یا ترک یک عمل به شیوه خاص حکم میکند. بخاطر مؤثر بودن این امر، همچو احکام به وسائلی که تطبیق آنرا یقینی سازد، نیاز دارد.
- (۳) این کار از طریق جرم شناختن و وضع مجازات صورت گرفته میتواند.
- (۴) لیکن بعضاً بهترین وسیله برای تشویق نمودن انجام سلوک مطلوبه (الزامی)، انواع مشوقها یا امتیازات میباشد.
- (۵) یک وسیله مشابه فراهم نمودن مخوفات اشیای تشویق کننده به انجام ندادن یک عمل (نه جرم شناختن یا وضع مجازات) در صورت تخلف از سلوک مطلوبه میباشد.

(ج) اختیار دادن یا مجاز دانستن سلوک مشخص ("میتواند").

- (۱) مجاز دانستن یک کار (که انجام و ترک آن مساوی میباشد) یک اصل مهم دیگر قانونگذاری پنداشته

	میشود.
(2) For granting a right, privilege, or power, use "may" (rather than "authorized" or "empowered").	(۲) برای اعطا يك حق، امتیاز، یا صلاحیت، از "میتوانید" (به جای "مجاز دانسته شده است" یا "اختیار داده شده است" استفاده نمائید).
(3) This can be used to authorize or permit optional actions on the part of those who are subject to a law. (For example: "A person who is aggrieved by an agency's violation of the procedures set forth in this Act may file a written complaint with an appropriate District Primary Court to compel the agency's compliance with such procedures.")	(۳) این ممکن است که جهت اختیار دادن یا اجازه دادن اعمال به ارتباط انانیکه مخاطبین قانون هستند بکاربرده شود. (به طور مثال "اگر شخصی در نتیجه تخطی يك نهاد از اجراآتیکه در این قانون تصریح شده است ناراحت شده است می تواند طی شکایت کتبی به پیشگاه محکمه مربوطه ابتدائیه ولسوالی جهت مجبور ساختن پیروى ان نهاد با چنین اجراءات عارض گردد. ")
(4) Because permitting something is not <u>requiring</u> it to be done (or not to be done), enforcement provisions are usually unnecessary.	(۴) بخاطر اینکه مجاز دانستن یک چیزی به <u>ایجاب</u> انجام و ترک یک عمل حکم نمیکند، احکام الزامی معمولاً ضروری پنداشته نمیشود.
(5) But incentives and disincentives can play an important part in provisions that permit (but do not require) certain behavior. Incentives encourage the behavior. Disincentives discourage behavior.	(۵) لیکن امور مشوقه و مخوفه یک بخش عمده احکامی را که انجام و ترک یک سلوک را مجاز میداند (یعنی انجام و ترک آن مطلوب نیست) تشکیل میدهد. مشوقات به انجام یک سلوک تشویق مینمایند و مخوقات بر عکس به ترک یک سلوک تشویق مینماید.
(c) Prohibiting certain behavior ("may not" and "shall not"). Means of enforcement (sanctions for violations).	(ا) منع نمودن از سلوک مشخص ("نمیتوان" "نباید"). وسائل وضع (مجازات برای تخلفات).
(1) For denying a right, privilege, or power, use "may not".	(۱) برای رد وانکار ازحق، امتیاز، یا صلاحیت، از "نمی تواند" استفاده نمائید.
(2) For directing that an action not be taken, use "shall not".	(۲) برای منع از عملی از "نباید" استفاده نمائید.
(3) For a provision of law to be effective at prohibiting certain behavior, it must be clearly drafted and it must have effective means to enforce the prohibition.	(۳) برای مؤثریت احکام قانون غرض منع ارتکاب سلوک مشخص، این احکام باید بطور واضح تسوید شود و باید دارای وسائلی باشد که در منع ارتکاب این سلوک مؤثر واقع گردد.
(4) Probably the most common means of enforcing prohibitions is by criminalizing or sanctioning behavior. However, criminalization and sanctions are not always the best tool to achieve a certain goal or to change or encourage certain behaviors.	(۴) احتمالاً، وسیله عمومی برای منع ارتکاب سلوک از طریق جرم شناختن همچو سلوک یا وضع مجازات میباشد. هرچند، جرم شناختن و وضع مجازات همیشه وسیله خوب برای رسیدن به یک هدف مشخص یا تغیر یا تشویق به سلوک مشخص نمیباشد.

(d) Use of “shall”, “may”, and “may not” or “shall not” with implementing agencies and officials.	(ب) استعمال کلمات "باید"، "میتوان"، و "نمی توان" یا "نباید" برای مراجع و مقامات تطبیق کننده و مقامات رسمی.
(1) Requiring actions by officials (“shall”). These provisions are used to compel an official or agency to take some specified action.	(۱) ملزم ساختن اعمال توسط مقامات رسمی ("باید"). این احکام غرض مکلف نمودن یک مقام یا اداره بر انجام یک عمل مشخص استفاده میشود.
(For example, “Not later than 30 days after the beginning of each calendar year, the Minister of Finance <u>shall submit</u> to the Parliament and the President a report detailing governmental expenditures made in the previous calendar year.”)	(مانند، "در جریان ۳۰ روز بعد از آغاز هر سال، وزارت مالیه بر <u>ارائه</u> گزارش تمام مصارف سال گذشته حکومت به شورای ملی و رئیس جمهور، <u>مکلف میباشد</u> .")
(2) Granting authority to officials (“may”). These provisions are used to grant authority to governmental agencies (the implementing agency for the legislation) or officials in order to carry out the legislation.	(۲) اعطای صلاحیت ("میتوان") به مقامات رسمی. این احکام بخاطر اعطای صلاحیت تطبیق قانون به مراجع دولتی (مراجع تطبیق کننده قانون) استفاده میشود.
(For example, “The Minister of Transportation <u>may collect</u> a fee on commercial vehicles with 3 or more axles for use of roadways leading into Kabul City. The fee may not exceed 10 Afghani per axle per entry.”)	(مانند، "وزارت ترانسپورت <u>میتواند</u> از آنده وسایط باربری که از جاده کابل استفاده میکنند، حق العبور <u>بگیرد</u> . مبلغ حق العبور نمیتواند از ۱۰ افغانی بیشتر باشد.")
(3) Limiting authority of officials (“may not”). These provisions can be used to place limitations on the powers or authority of Government officials or agencies.	(۴) محدود ساختن صلاحیت مقامات رسمی ("نمیتوان"). این احکام را میتوان بخاطر محدود ساختن صلاحیت مراجع و مقامات حکومتی تطبیق کننده قانون.
(For example, “The Attorney General <u>may not prosecute</u> a person without substantial evidence that the person has engaged in criminal behavior.” The Attorney General already has the authority to prosecute, so this provision merely places a limitation on that authority.)	(مانند، "حارنوالی <u>نمیتواند</u> بدون شواهد مثبته که ارتکاب یک عمل جرمی را بالای شخص ثابت کند، کسی را به <u>تعقیب نماید</u> .") لوی حارنوالی قبلاً صلاحیت تعقیب رادارا می باشد، بناءً این حکم صرف محدودیت را بالایی آن صلاحیت وضع می نماید.
(5) Prohibiting certain actions by officials (“shall not”).	(۳) منع اعمال مشخص توسط مقامات رسمی ("نمی تواند").
(For example, “The Attorney General <u>shall not deny</u> any person arrested or charged with a crime the right to defense counsel as provided in Article 31 of the Constitution.”)	(به طور مثال، "لوی حارنوالی <u>نمی تواند</u> شخصی را که به اتهام جرمی توقیف شده است از حق داشتن وکیل مدافع که در ماده ۳۱ قانون اساسی تصریح شده است <u>منع نماید</u> .")

جلسه (۹)

۱- تفکیک قوا مطابق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

۲- پروسه قانونگذاری ایالات متحده آمریکا

SESSION 9

**(1) THE SEPARATION OF POWERS UNDER THE U.S.
CONSTITUTION**

(2) RULEMAKING IN THE UNITED STATES

Session 9.

(a) The separation of powers under the United States Constitution.

- (1) The United States Constitution separates the powers of the state into 3 branches of Government.
- (2) Powers of the Congress
- (3) Powers of the President.
- (4) Powers of the Supreme Court.

(b) Rulemaking in the United States.

- (1) Excerpt on American Rulemaking Process (from Wikipedia.org).
 - (a) Purposes.
 - (b) The rulemaking process.
- (2) Rulemaking Procedure in the United States Federal Government.

جلسه ۹.

(الف) تفکیک قوا مطابق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.

(۱) قانون اساسی امریکا قوا دولت را به سه بخش در حکومت تقسیم مینماید.

(۲) صلاحیتهای کنگره.

(۳) صلاحیت های رئیس جمهور.

(۴) صلاحیت های ستره محکمه.

(ب) پروسه قانونگذاری ایالات متحده آمریکا.

(۱) اقتباس از پروسه قانونگذاری ایالات متحده آمریکا (از صفحه انترنتی Wikipedia.org).

(أ) پروسه قانونگذاری.

(ب) پروسه قانونگذاری.

(۲) پروسه قانون گذاری درحکومت ملی امریکا.

SEPARATION OF POWERS UNDER THE UNITED STATES CONSTITUTION

1. The United States Constitution separates the powers of the state into 3 branches of Government:

- (a) **The Legislative Branch.** "All legislative Powers herein granted shall be vested in a Congress of the United States, which shall consist of a Senate and House of Representatives." (Article I, section 1.)
- (b) **The Executive Branch.** "The executive Power shall be vested in a President of the United States of America." (Article II, section 1.)
- (c) **The Judicial Branch.** "The judicial Power of the United States, shall be vested in one supreme Court, and in such inferior Courts as the Congress may from time to time ordain and establish." (Article III, section 1.)

2. Powers of the Congress.

Article I, section 8, of the U.S. Constitution gives the Congress the following powers (partial list):

- (a) To provide for the common defense and general welfare of the United States.
- (b) To collect taxes, duties, and excises.
- (c) To pay the debts of the United States.

تفکیک قوا مطابق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

۱. قانون اساسی امریکا قوا دولت را به سه بخش در حکومت تقسیم مینماید:

(أ) **قوه مقننه.** "کنگره ایالات متحده امریکا که مرکب از مجلس سنا و مجلس نمایندگان است، دارای تمام صلاحیت های قانونگذاری میباشد." (ماده ۱، بخش ۱.)

(ب) **قوه مجریه.** "رئیس جمهور ایالات متحده امریکا دارای قدرت اجرایی میباشد." (ماده ۲، بخش ۱.)

(ت) **قوه قضائیه.** "تمام قدرتهای قضائی ایالات متحده به یک ستره محکمه و سائر محاکم تحتانی که وقتاً فوقتاً توسط کنگره تربیب و تشکیل میگردد، اعطا میگردد." (ماده ۳، بخش ۱.)

۲. صلاحیتهای کنگره.

مطابق ماده ۱، بخش ۸، قانون اساسی امریکا کنگره دارای صلاحیتهای ذیل میباشد (لست جزئی):

- (أ) تأمین دفاع مشترک و رفاه عامه ایالات متحده امریکا.
- (ب) جمع آوری مالیات، عوارض گمرکی، مالیات کالای های داخلی.
- (ت) پرداخت قروض ایالات متحده امریکا.

- | | |
|---|--|
| <p>(d) To borrow money on the credit of the United States.</p> <p>(e) To regulate commerce.</p> <p>(f) To coin money and to regulate its value.</p> <p>(g) To establish tribunals inferior to the Supreme Court.</p> <p>(h) To declare war.</p> <p>(i) To raise and support Armies.</p> <p>(j) To provide and maintain a Navy.</p> <p>(k) To define and punish offenses against the Law of Nations.</p> <p>(l) To establish the standard of weights and measures.</p> <p>(m) To establish post offices and post roads.</p> <p>(n) To promote the progress of Science and useful Arts, by securing copyrights for authors and patents for inventors.</p> <p>(o) To exercise exclusive legislation over the Capital City (Washington, D.C.).</p> <p>(p) To make all Laws that are "necessary and proper" for executing the powers of the Congress and all other powers vested in the Government of the United States.</p> | <p>(ث) اخذ قروض به اعتبار ایالات متحده امریکا.</p> <p>(ج) تنظیم امور تجارت.</p> <p>(ح) چاپ پول (ضرب سکه) و تنظیم نمودن ارزش آن.</p> <p>(خ) تشکیل محاکم تحتانی ستره محکمہ.</p> <p>(د) اعلان جنگ.</p> <p>(ذ) بالابردن تعداد و حمایت قوای مسلح.</p> <p>(ر) تامین و نگهداری نیروی بحری.</p> <p>(ز) مجازات و تعریف تخلفات علیه قانون بین المللی.</p> <p>(س) تعیین معیار اوزان و مقیاس ها.</p> <p>(ش) تشکیل پسته خانه و جاده های پستی.</p> <p>(ص) ترویج پیشرفت علوم و فنون مفید، ذریعه تضمین حقوق طبع برای مؤلفین و امتیازنامه برای مخترعین.</p> <p>(ض) اعمال صلاحیت تقنینی در پایتخت (واشنگتن دی. سی.).</p> <p>(ط) ساختن تمام قوانین "ضروری و مناسب" برای اجرای صلاحیتهای کانگره و سائر صلاحیتهای دیگر حکومت ایالات متحده امریکا.</p> |
|---|--|

3. Powers of the President.

Article II, section 2, of the U.S. Constitution gives the President the following powers:

- (a) The President is "Commander in Chief" of the Army and Navy of the United States.
- (b) The President may require the written opinion of the principal officers of the Executive Departments.
- (c) The President may grant reprieves and pardons for offenses against the United States, except in cases of impeachment.
- (d) The President may make Treaties, which must be ratified by 2/3 of the Senate.
- (e) The President may nominate and appoint ambassadors, judges, and all other officers of the United States, with the "advice and consent" of the Senate.
- (f) During the recess of the Senate, the President may make temporary appointments.

۳. صلاحیت های رئیس جمهور.

مطابق ماده ۲، بخش ۲، قانون اساسی امریکا، رئیس جمهور دارای صلاحیت های ذیل میباشد:

- (أ) رئیس جمهور "سر قومندان اعلی" قوای مسلح و نیروهای بحری ایالات متحده امریکا میباشد.
- (ب) رئیس جمهور میتواند نظریات کتبی رؤسای دیپارتمنت های قوه مجریه (وزارتخانه ها) را طب کند.
- (ت) رئیس جمهور میتواند اجرای مجازات چرایم علیه ایالات متحده امریکا را بتعویق باندازد یا آنرا معاف کند، مگر در قضایای مربوط به محاکمه رئیس جمهور.
- (ث) رئیس جمهور میتواند معاهدات را که باید از طرف دو ۲/۳ مجلس سنا تصویب شده باشد، به امضا برساند.
- (ج) رئیس جمهور میتواند سفرا، قضات، وسائر مامورین ایالات متحده را معرفی و تعیین نماید، با "مشوره و موافقت" مجلس سنا.
- (ح) رئیس جمهور میتواند در ایام تعطیل مجلس سنا تقرریهای مؤقت را انجام دهد.

4. Powers of the Supreme Court.

Article III, section 2, of the U.S. Constitution gives the Supreme Court the following powers:

- (a) The Supreme Court has original jurisdiction in all cases affecting ambassadors and all cases in which a State is a party.
- (b) The Supreme Court has appellate Jurisdiction in all the other cases, with such exceptions, and under such regulations as the Congress shall make.

۴. صلاحیت های ستره محکمه.

مطابق ماده ۳، بخش ۲، قانون اساسی امریکا ستره محکمه دارای صلاحیتهای ذیل میباشد:

- (أ) ستره محکمه دارای صلاحیت ابتدائی در تمام قضایای مربوط به سفرا و تمام قضایایکه دولت در آن طرف است، میباشد.
- (ب) ستره محکمه در سائر قضایا، با استثنائات، و مطابق مقرراتیکه کنگره آنرا میسازد، دارای صلاحیت استینافی میباشد.

Excerpt on American Rulemaking Process (from Wikipedia.org)

<http://en.wikipedia.org/wiki/Rulemaking>

Purposes

.... Executive agencies are usually charged with executing, not making, the rules. Given the scope of modern regulation, however, legislatures frequently find areas where it is impractical for lawmakers to apply the level of detail or expertise required to establish complete standards. These they delegate to agencies for follow-up rulemaking.

Common purposes of rulemaking include:

- *Adding scientific expertise.* For example, in the U.S., the Federal Food, Drug, and Cosmetic Act outlaws the sale of adulterated or impure drugs. The act requires that the Department of Health and Human Services promulgate regulations establishing which laboratory tests to use to test the purity of each drug.
- *Adding implementation detail.* Legislation on automobile fuel efficiency, for example, often

اقتباس از پروسه قانونگذاری ایالات متحده امریکا (از صفحه انترنتی Wikipedia.org)

<http://en.wikipedia.org/wiki/Rulemaking>

مقاصد

.... ارگانهای اجرایی معمولاً موظف به اجرای قوانین میباشد، نه اینکه خود آنها دست به وضع قوانین بزنند. با آنهم، با درنظرداشت حوزه تنظیم امور در عصر حاضر، قوه مقننه اکثراً با مواردی مواجه میشود که برای قانونگذاران عملاً نا ممکن است سطح مطلوب تفصیل و تخصص که برای وضع معیار های کامل لازم است، را بکار برند. از همین لحاظ قوه مقننه ارگانهای را موظف میسازند تا در عملیه وضع قوانین سهم بگیرند.

معمولاً مقاصد قانونگذاری شامل امور ذیل میشود:

- ازدیاد تخصص علمی. بعنوان مثال، در ایالات متحده امریکا، قانون فدرالی اغذیه، ادویه و وسایل آرایشی؛ فروش دوا های تقلبی و نا خالص را غیر قانون اعلام میکند. این قانون ریاست صحت و خدمات بشری را ملزم میسازد تا مقرراتی را نشر نماید که در آن بیان شود از کدام نوع آزمون های لابراتواری در آزمایشات خالص بودن هر دوا استفاده بعمل آید.

ازدیاد تفصیل پیرامون نحوه تطبیق قانون. بعنوان مثال، قانون درمورد کفایت

delegates the development of the actual engine tests used to calculate 'city mileage' and 'highway mileage'.

- *Adding industry expertise.* The U.S. Clean Air Act and Clean Water Act require the Environmental Protection Agency to determine the appropriate emissions control technologies on an industry-by-industry basis.
- *Adding flexibility.* More detailed regulations allow for more nuanced approaches to various conditions than a single legislative standard could. Moreover, regulations tend to be more easily changed as new data or technologies emerge.
- *Finding compromise.* In some cases, a divided legislature can reach an agreement on a compromise legislative standard, while each side holds out hope that the implementing regulations will be more favorable to its cause.

The rulemaking process

Rulemaking processes are generally designed to ensure that—

- the public is informed of *proposed rules* before they take effect;
- the public can comment on the proposed rules and provide additional data to the agency;
- the public can access the *rulemaking record* and analyze the data and analysis behind a proposed rule;

مواد سوخت موتورها اکثراً بدین امر میکند که ساختار آزمایشات عملی ماشین ها ایجاد شود تا سنجش بر حسب میل در شهر و سنجش بر حسب میل در شاهراه را محاسبه نماید.

- ازدیاد تخصص صنعتی. قانون هوای پاک و قانون آب پاک ایالات متحده امریکا ارگان حفظ محیط زیست را ملزم برآن میسازد تا تکنالوژی های مناسب کنترل دفع مایعات را در هر صنعت تعیین نماید.
- ازدیاد انعطاف پذیری. مقرر ه هاییکه مفصل تر اند، اجازه آنرا میدهد تا با نکات دقیق و ظریف حالات مختلف برخورد صورت گیرد، و این چیزاست که یک معیار تقنینی به تنهایی خود نمیتواند همچون ظرفیتی را داشته باشد. علاوه، مقرر ه ها بخاطر ظهور تکنالوژی های جدید به آسانی قابل تغییر اند.
- رسیدن به سازش. در بعضی موارد، قوه مقننه تقسیم شده میتواند در مورد یک معیار تقنینی ایکه پیرامون آن اختلاف وجود دارد، به چنان توافقی دست یابد که هر طرف قضیه بتواند بدین امید باشد که تطبیق مقررات میتواند به مقاصد و نظریات آن نزدیک تر باشد.

پروسه قانونگذاری

عموماً پروسه قانونگذاری برای این مقصد طرح ریزی میگردد، تا—

- قبل از آنکه قوانین پیشنهاد شده نافذ شود، مردم از آن آگاه ساخته شوند؛
- مردم بتوانند در مورد قوانین پیشنهاد شده اظهار نظر کنند و معلومات بیشتری را به ارگان ذیربط ارائه نمایند؛
- مردم بتوانند به اسناد قانونگذاری بخاطر تحلیل معلومات و تحلیل و ارزیابی ها در مورد مقرر ه پیشنهاد شده دسترسی داشته باشند؛

- the agency analyzes and responds to the public's comments;
- the agency creates a permanent record of its analysis and the process; [and]
- the agency's actions can be reviewed by a judge or others to ensure the correct process was followed.

For example, a typical U.S. Federal rulemaking [process] would contain these steps:

- **Legislation.** The U.S. Congress passes a law and assigns an agency to promulgate additional regulations.
- **Advance Notice of Proposed Rulemaking.** This ... step entails publishing the agency's initial analysis of the subject matter, often asking for early public input on key issue[s]. Any data or communications regarding the upcoming rule would be made available to the public for review.
- **Proposed Rule.** In this step, the agency publishes the actual proposed regulatory language, a full discussion of the justification and analysis behind the rule, and the agency's response to any public comment on the advance notice.
- **Public comment.** Once a proposed rule is published, a public comment period begins, allowing the public to submit written comments to the agency. The agency is required to respond to each issue raised in the comments. Depending on the complexity of the rule, comment periods may last for 30 to even 180 days.

- ارگان مربوطه نظریات مردم را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و به آن پاسخ ارائه کند؛
- ارگان مربوطه اسناد دائمی تحلیل اش و پروسه آن را بوجود آورده بتواند؛
- اقدامات ارگان مربوطه توسط قاضی ویا کسی دیگر مورد بررسی قرار گیرد، که آیا پروسه درست تعقیب گردیده یا خیر.

بعنوان مثال، معمولاً قانونگذاری در امریکا گامهای ذیل را دربر میگیرد:

- **قانونگذاری.** گنگره امریکا (مجلس سنای امریکا) قانون را تصویب میکند و ارگان مربوطه را موظف میسازد تا مقررات بیشتری را در رابطه وضع نماید.
- **ابلاغ قبلی قانون پیشنهادی.** این ... گام مستلزم نشر تحلیل مقدماتی موضوع توسط ارگان مربوطه میباشد که معمولاً در آن از مردم تقاضا میشود نظریات خود را پیرامون مسایل کلیدی هرچه زودتر ارائه بدارند. هر نوع معلومات یا تبادل افکاریکه در مورد قانون یا مقررہ آینده صورت گرفته است؛ بخاطر بازبینی در دسترس مردم قرار میگیرد.
- **قانون پیشنهادی.** درین مرحله، ارگان مربوطه طرح و ساختار اصلی قانون پیشنهادی، بحث کامل در مورد توجیه این قانون و بررسی این قانون و واکنش آن ارگان به نظریات و ملاحظات مردم در مورد ابلاغیه قبلی، را به نشر میرساند.
- **نظریات و ملاحظات مردمی.** زمانیکه یک قانون پیشنهادی به نشر میرسد، مرحله نظریات و ملاحظات مردمی آغاز میشود که به مردم اجازه میدهد تا نظریات تحریری خود را به ارگان مربوطه تسلیم نمایند. ارگان مربوطه مکلف است به تمام قضایا مطرح شده در ملاحظات مردمی پاسخ بدهد. با در نظر داشت پیچیدگی و تعقید قانون پیشنهادی، مدت ارائه نظریات

و ملاحظات میتواند از ۳۰ روز الی حتی ۱۸۰ روز دوام نماید.

- **Final Rule.** Usually, the proposed rule becomes the final rule with some minor modifications. In this step, the agency publishes a full response to issues raised by public comments and an updated analysis and justification for the rule, including an analysis of any new data submitted by the public. In some cases, the agency may publish a second draft proposed rule, especially if the new draft is so different from the proposed rule that it raises new issues that have not been submitted to public comment.

• **قانون نهایی.** عموماً، قانون پیشنهادی بعد از برخی تعدیلات جزئی به قانون نهائی مبدل میشود. درین مرحله، ارگان مربوطه پاسخ کامل خویش پیرامون ملاحظات مطروحه مردمی و تحلیل تازه و دلایل و توجیهات مربوط به قانون را به نشر میرساند، که شامل تحلیل معلومات جدیدی که از طرف مردم به این ارگان ارائه شده است، میگردد. در بعضی از موارد، ارگان مربوطه میتواند طرح دوم قانون پیشنهادی را به نشر برساند، به ویژه زمانی که طرح جدید نسبت به قانون پیشنهادی اولی خیلی متفاوت باشد و در آن مسائل جدیدی تذکر یافته باشد که در معرض نظریات و ملاحظات مردم قرار نگرفته است.

- **Judicial review.** In some cases, members of the public or regulated parties file a lawsuit alleging that the rulemaking is improper. While courts generally offer significant deference to the agency's technical expertise, they do review closely whether the regulation exceeds the rulemaking authority granted by the authorizing legislation and whether the agency properly followed the process for public notice and comment.

• **بازبینی قضائی.** در بعضی موارد، برخی از اعضای جامعه یا احزاب قانونی از طریق اقامه دعوا استدلال میکنند که قانونگذاری بشکل درست صورت نگرفته است. در حالیکه محاکم عموماً به تخصص تخنیکی ارگان مربوطه احترام قابل ملاحظه ای قایل اند، ولی با آنهم، این محاکم تفحص میکنند که آیا این ارگان هنگام وضع قانون از صلاحیتیکه توسط مرجع ذیصلاح برای قانونگذاری به او داده شده است، فراتر رفته است یا خیر و اینکه آیا ارگان متذکره پروسه ابلاغ به مردم و نظریات و ملاحظات آنرا بشکل درست آن تعقیب نموده است یا خیر.

- **Effective date.** Except in extraordinary circumstances, the rule does not become effective for some time after its initial publication to allow regulated parties to come into compliance. Some rules provide several years for compliance.

• **تاریخ نفاذ.** بجز از حالات فوق العاده، قانون وضع شده بعد از نشر مقدماتی آن برای مدتی نافذ نمیگردد تا اطراف ذیربط این قانون به قبول آن به توافق برسند. بعضی از قوانین سالها را دربر میگیرد تا مورد قبول اطراف ذیربط واقع شود.

* * * * *

* * * * *